

به عنوان یک زن شرکت در این نمایش را توهین به خودم می دانم!

در جایی که آزادی نیست انتخابات بی معنی است!

آذر کیمیا

آنجا که آزادی نیست اگر رای دادن چیزی را تغییر میداد اجازه نمی دادند که شما رای بدهید. (مارک تواین. نویسنده و طنز پرداز امریکایی)

نمایشی که تحت عنوان انتخابات در ایران برگزار میشود هیچ ربطی به مفهوم شناخته شده انتخابات حتی در سایر کشورها سرمایه داری هم ندارد. این نمایش تا آنجا که به مردم ایران برمبگردد نمایشی جز بازسازی مجدد سیستم سرکوب دولتی و کسب مشروعیت مجدد رژیم از راه "شرکت دادن" بی اراده و بی نقش خود مردم مورد تحت ستم نیست! یک بازی تقسیم قدرت است که میان باندهای رژیم هراز چندی برگزار میشود و بعد از پایان نمایش، ماشین سرکوب و سیستم سرکوب آزادی مجدداً براه می افتد تا نمایش بعدی.

مشکل کار اینجا است که هر چند این بازی هم معمولاً با بی توجهی مردم مبارز مواجه میشود، اما در خلا یک الترناتیو انقلابی و به دلیل تحمیل فضا و رقابت دروغین بین "کاندیداتورها" و گسترش یاس و ناامیدی و استیصال، باز هم تعداد قابل توجهی از مردم به همراه کاسه لیسان حاکمیت می روند و بازار این نمایش مسخره را برای سرکوبگران خود گرم نگاه می دارند. این بسیار جای تاسف است!

صفحه 2

اطلاعیه شماره یک هیئت برگزاری کنفرانس موسس حزب سیاسی جدید:

کنفرانس موسس حزب سیاسی جدید برگزار میشود!

صفحه 2

- به جای نگرانی، با پروژه ما همراه شوید! جواب به یک رفیق

رحمت فاتی

صفحه 3

- سیاست و برنامه حزب کمونیستی جدید کدام است؟

کامران پایدار

صفحه 6

- پاسخ به چند سوال مرتبط به پروسه تشکیل حزب سیاسی جدید

سلام زیجی

صفحه 6

- **جهنمی در اعماق خاک رس!** کوره پزخانه های خاتون آباد تهران

کامران پایدار

صفحه 11

- گزارش اول ماه مه

صفحه 12

- نه به شرکت در نمایش انتخابات رژیم!
آری به برگزاری اول مه قدرتمند و ایجاد حزب رزمنده کارگری!

امید نسیمی

صفحه 13

- گزارشات اول ماه می، تهیه و تنظیم: عزیز اجیکند

- بخشی از کارگران و زحمتکشان کردستان مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کردند!

صفحه 14

- جهان بسوی راست میرود!

پروین دنیا

به عنوان یک زن شرکت در این نمایش را توهین به خودم می دانم! در جایی که آزادی نیست ...!

اطلاعیه شماره یک
هیئت برگزاری کنفرانس
موسس حزب سیاسی
جدید در ایران

**کنفرانس موسس حزب
سیاسی جدید برگزار می
شود!**

به اطلاع می رسانیم که تدارکات ملزومات سیاسی و اجرائی برگزاری کنفرانس موسس حزب سوسیالیستی جدید از این تاریخ شروع خواهد شد. این کنفرانس در ماه آگوست ۲۰۱۷ برابر با مرداد ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد. کنفرانس موسس حزب دو روزه و غیر علنی است. در اطلاعیه های بعدی در باره شکل برگزاری کنفرانس موسس حزب و دیگر اقدامات اطلاعات بیشتری در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.

هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب از همه کارگران و فعالین کارگری، مبارزین راه آزادی، و فعالین و دستداران حزب در ایران می خواهد که از راههای مناسب در تدارک سیاسی و تاسیس چنین حزبی نقش مستقیم و موثر ایفا نمایند. ما متعهد می شویم که کلیه نظرات و اسناد پیشنهادی و تلاشهای شما را از کانال درست و قانونی در پروسه تاسیس حزب دخیل داده و به سر انجام خواهیم رساند.

علاو بر تماس مستقیم با هیئت هماهنگ کننده برگزاری کنفرانس، از این تاریخ تا زمان برگزاری کنفرانس بخشی از کار نشریه سوسیالیسم امروز" و همچنین سایت "سوسیالیسم امروز"(که به زودی راه خواهد افتاد)

صفحه 3

ایران چه لزوما با برنامه ریزی قبلی چه "هوشمندانه" میوه ناخواسته این وضعیت را می چیند و از رهگذر این نمایش چند روزه می کوشد به سیاست حذف دیگری ها و تداوم نظام ظالمانه اش مشروعیت دهد. تمام تلاشش این است بجای پاسخگویی به فقر و فلاکت به اعتیاد و تن فروسی و حاشیه نشینی و به خواستهای اولیه زنان و کارگران و جوانان و اقلیتهای دیگر همه را با فریب و زور چک سفیدی در مقابلشان قرار دهد و از آنها می خواهد که با دست خود امضا کنند. عملا باید دوباره به این نظام و ارگانهای سرکوبگر او رای "مثبت" بدهند. این اساس هدف رژیم و معنی "انتخابات" در ایران است. هر فرد و جناحی "پیروز" شود. ما مردم بازنده هستیم!

به عنوان یک زن شرکت در این نمایش را توهین به خودم می دانم! رای دادن را رای به سرکوب جامعه و نصف مرد بودن خودم می دهم! به حجاب اجباری و قوانین قرون وسطی رای می دهم. از همه زنان متمدن و پیشرو ایران و همه آزادیخواهان نیز می خواهم در این نمایش شرکت نکنند، به حکومتی که زنان را نزدیک به ۴۰ سال است در زندان اسارت و حقارت و نابرابری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی و فرهنگی بند کرده است نه تنها نباید رای بدهند و در آن بازی شرکت کنند، که حق ما است علیه چنین نظامی به پا خیزیم!

.....

و عقیدتی ۲- تضمین فعالیت ازاد همه جریانهای سیاسی اعم از چپ راست، سوسیالیست و مخاف یا موافق نظام حاکم و قانون اساسی کنونی، آزادی همه سازمانهای مدنی و آزادی فعالیت سیاسی و تجمات ۳- آزادی رسانه ها و مطبوعات ۴- لغو نظارت و عدم دخالت دولت در امر انتخابات ۵- ممنوع اعلام کردن هر گونه دخالت نیروهای نظامی و امنیتی و نهادهای دینی و اخوندها در امر انتخابات ۶- برابری حقوق همه شهر وندان در برابر قانون و آزادی کاندید شدن و انتخاب کردن بدون وجود هیچ محدودیتی ۷- نظارت نهادهای بین المللی مربوطه.

اینها ابتدائی ترین شرط تامین آزادی یک انتخابات آزاد است که معلوم است در سایه چنین رژیم مستبدی همانطوری که در این سه دهه ممکن نشده است هرگز ممکن نخواهد شد.

به این ترتیب پرسشی که هر چهار سال یکبار بیشتر از نصف شهروندان ایرانی، در واقع اکثریت عظیم جامعه یعنی زنان، کارگران، اقلیت های زبانی. خدا نا باوران. و سکولار ها در ایران با آن مواجه می شوند این است که انتخابات ریاست جمهوری و دیگر نمایش های انتخاباتی ایران چه ربطی به آنان دارد؟ چرا این بخش وسیع از جامعه باید در این بازی علیه خود شرکت کنند، به جای شرکت چرا نباید این نمایش را بر سر برگزار کنندگان شان خراب کرد؟ نظام سیاسی - دینی حاکم بر

بازی که قواعد و حدود ان را قدرت و زور باندهای در گیر در ان تعیین میکند و هر باند تا انجا که زورش برسد و حيله هایش موثر افتد تلاش در سهم بری بیشتر و حذف طرف مقابل دارد. ایت الله ها و مراجع دینی نظام هم به روشنی و به صراحت گفته و میگویند که رای و نظر مردم هیچ اعتبار "شرعی و قانونی" ندارد. اساسا انتخابات در نظام دینی موضوعیت ندارد.

آیت الله مصباح یزدی در گفتگوی با نشریه پرتو ۷دی ۱۳۸۴ در باره انتخابات و رای مردم میگوید "در حکومت اسلامی رای مردم هیچ اعتبار شرعی و قانونی ندارد نه در اصل انتخاب نوع نظام سیاسی کشورشان و نه در اعتبار قانون اساسی و نه در انتخاب ریاست جمهوری و انتخاب خبرگان، رهبری ملاک اعتبار قانونی تنها یک چیز است و ان رضایت ولایت فقیه است!"

جامعه ای که این را می داند که به حسابش نمی آورند اگر باز هم برود رای بدهد متاسفانه جامعه مستاصلی بیش نیست، مردم آزاده باید راه بازگشت اختیار و حرمت به خود و آرایشان را باز یابند.

حداقل شرایط ضروری برای یک انتخابات ازاد و دمکراتیک عبارت است ۱- آزادی تمام زندانیان سیاسی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اطلاعیه شماره یک هیئت برگزاری کنفرانس موسس حزب سیاسی جدید !....!

به تدارک سیاسی کنفرانس موسس حزب اختصاص خواهیم داد. هر دو ابزارهای مناسبی هستند در جهت منعکس کردن نظرات سیاسی متفاوت، و طرح سیاستها و راه حل های مناسب به منظور تدارک بهتر یک حزب کمونیستی رزمنده و انقلابی. ما از دریافت نظرات و پیشنهادها شما استقبال می کنیم.

همچنین از همه اعضا و دوستداران و علاقمندان به دخالت مستقیم در سر نوشت این حزب در اروپائی مرکزی و امریکا و کانادا می خواهیم در اسرع وقت برای شرکت در کنفرانس موسس حزب با ما تماس گرفته و ثبت نام کنند. تاریخ و مکان دقیق کنفرانس تنها به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس خواهد رسید.

پیشا پیش به همه شرکت کنندگان در کنفرانس موسس حزب خوش آمد می گوئیم!
هیئت برگزار کننده کنفرانس

موسس حزب

ادرس مایل و تلفنهای تماس:

**iransocialist2017@
gmail.com**

0046762349683

00447740076631

004792831376

0046700929993



به جای نگرانی با
پروژه ما همراه
شوید!
جواب به یک رفیق

. با تشکر از رفیق دنیس به چند نکته قبل از جواب دادن به نقد شما به مصاحبه من اشاره کنم. قبل از هر چیز ممنون از نقد صمیمانه و مسئولانه شما در صفحه ایی که رفیق شمی با نام "جنبش کمونیسم

کارگری" باز کرده است، که کلا با اظهار نظر کسان دیگری از احزاب کمونیسم کارگری در رابطه با پروژه تشکیل حزب کاملا متفاوت و به معنای استثنا است. شخصا تمایلی ندارم در بحثی که فضای آن پر از تحقیر و توهین است و ابدا کار ساز نیست شرکت کنم. جواب من فقط به احترام نقد صمیمانه شما و تلاش دلسوزانه رفیق شمی صلواتی است. من بحثهای شما را دنبال میکنم و به روحانی، بقیه و از جمله همه اسنگران، عثمان رحمانی و غیره، اظهار نظر و نقدشان نه تنها سیاسی و صمیمانه نیست بلکه تحقیر و توهین به مخالف سیاسی است. این نوع برخورد به مخالفین سیاسی از طرفی، فرهنگ، منش و رفتار شرقی در بحث سیاسی است و از طرف دیگر در رابطه با جامعه و حزب همانند دولتهای غربی شما انسانها را در مقابل انتخاب بد و بدتر قرار میدهند. اگر بر اساس تصورات این دوستان، انسانها عمل کنند، شما هیچ راهی ندارید باید از بین حزب کارگر انگلیس و محافظه کار، مودرات و سوسیال دمکرات، جمهوری خواه یا دمکرات یکی را انتخاب کنید. از نظر این دوستان نیز هیچ راهی نیست یا باید با حزب کمونیست کارگری و شاخه های منتسب از آن باشید یا باید منتظر تحقیر و توهین باشید. فرهنگ ناظر بر بحث این دوستان همان فرهنگ فضای "های و هوی" وجدل آنلاین است. جالبی این مسئله در این است که این دوستان به دیگران مرتبا توصیه میکنند که توهین نکنید!! رفیق عثمان که تا قبل از این مسئله بیشترین احترام را برای هم داشتیم تا انجا پیش میرود که من و رفقای من را با یکی از توابع حزب دمکرات که خود را در میروان تسلیم رژیم کرده است مقایسه میکند. یا اتهامات و توهین کادریها بالا حزب کمونیست کارگری از جمله منصور ترکاشون مجید آتری در جریان نقد حمید تقوایی از طرف رفیق سلام و لایک گرفتن آنها از جانب اعضای دفتر سیاسی شان که آشکارا سلام را در کنار خامنه ای و روحانی قرار دادند ببینید، یا در رابطه با نوشته کامران پایدار که امیدوارم خودش با استدلال جواب توهینهای کسانی که اینجا در این بحث شرکت کرده اند را بدهد، در رابطه با کلمه "سیاه" که در رابطه با سابقه احزاب کمونیست کارگری بکار برده، بجای اینکه از او توضیح بخواهند و بحث او را نقد کنند چه بلای سرش آورده اند. در همچنین فضایی، بحث از متحد کردن شاخه

های کمونیسم کارگری را نباید جدی گرفت. همه میدانند که یکی از دلایل اصلی انشعاب در حزب کمونیست کارگری و حکمتیست همین فضای ناسالم سیاسی که از طرف رهبری این احزاب به آن دامن زده میشود، بوده است. در نتیجه پیش شرط اتحاد و با هم کار کردن فضای سالم سیاسی و احساس امنیت کامل کردن در بحث سیاسی است که متأسفانه در اینجا غایب است.

اما در مورد نقد شما به پروژه ما و مصاحبه من باید اذعان کنم که کار ساخت و دشواری را شروع کرده ایم بخصوص با توجه به فضای سیاسی نازل بر احزاب چپ به طریق اولی کار ما را صد چندان سخت میکند، که امیدوارم بقول صمد بهرنگی "راه که افتادیم ترسمان بریزد". در نقدتان مرتبا سؤال میکنید که چرا این مسائل و اختلافات سیاسی خود که شما در این مصاحبه به اشاره کردید قبلا و در کنگره ها و پلنوم های حزب حکمتیست مطرح نکردید؟ جهت اطلاع شما خیلی بیشتر از آن چیزی که شما تصور میکنید سیاست و پراکتیک این حزب را قبلا در سمینار، جلسات رسمی حزب و یا در نامه هایم به رهبری وقت، حزب حکمتیست را نقد کرده ایم. اختلافات مان را با سیاستهای این حزب، مناسبات تشکیلاتی، رهبری، محفلیسم و غیره را در مدت زمانی که با این حزب بوده ایم مطرح کرده ایم. در رابطه با دانشجویان ازادخواه و برابری طلب که شما به آن اشاره کردید، دریکی از پلنومهای حزب، بعد از اینکه جمهوری اسلامی موفق شد بیشترین این رفقا را دستگیر کند و یا آنها را فراری دهد بیشترین نقد را به کمیته رهبری وقت را داشتیم. رفقای که در این پلنوم شرکت داشتند حتما نقدهای من در این رابطه بیاد دارند. با شما موافقم و لازم بود که نقد های خودمان را شفاف و علنی میکردیم. متأسفانه مرعوب و تسلیم این فضای ناسالم سیاسی شدن و رعایت مصلحتهای کوتاه بینانه ی حزبی مانع از آن شد که ما نقد هایمان را علنی کنیم. همچنانکه در فراخوان ما آمده است ما متعهد شده ایم که با تمامی ابزارهای تشکیلاتی در مقابل این فضای ناسالم و محفلیسم مقابله کنیم. در نتیجه وقتیکه ماها به این نتیجه رسیدیم که ما با محفلیسم جان سخت و نهادینه شده در رهبری حزب حکمتیست روبرو هستیم و عبور از آن محال است تصمیم به ساختن حزب دیگری گرفتیم. که

علیرغم اینکه از طرف تعداد زیادی از انسانهای ازادخواه و کمونیست در داخل و خارج با استقبال روبرو شده ولی متأسفانه با مخالفت و دشمنی غیره قابل تصویری از طرف اعضای احزاب کمونیست کارگری روبرو شده است که کاملا قابل پیش بینی بود. چون از نظر آنها ما تقدسات و از خط قرمزهایی عبور کردیم که ممنوعه بوده است. از نظر آنها ما هیچ راهی نداریم، باید بین این دو حزب یکی را انتخاب کنیم در غیر این صورت ما باید نفرین و تحقیر شویم. منصور حکمت در کنگره ۳ حزب کمونیست ایران که در سوئد و در سال ۱۹۸۸ برگزار شد و من بعنوان نماینده از کردستان در آن کنگره شرکت کردم، نقدهای خود را به فعالیتهای حزب را مطرح کرد و اکثریت قریب به اتفاق کنگره را با خود همراه کرد و در پلنوم تاریخی ۱۴ حزب ضمن تاکید مجدد بر نقدهایش اکثریت اعضا کمیته مرکزی وقت را نه تنها با خود همراه کرد بلکه دیدیم اکثر آنها به خاطر پراکتیکشان خود را سرزنش کردند. و بعدا هم نود درصد تشکیلات را با خود همراه کرد. با این وصف این مانع از آن نشد که از حزب کمونیست با قلمش جدا شود و رفقاییش هم هیچ کدام او را سرزنش نکردند که شما چرا جدا میشوید وقتیکه تشکیلات با شماست. اگر در انزمان ناسیونالیستهای داخل حزب کمونیست و خارج از آن علیه منصور حکمت به خط شدند و هزاران اتهام را به سوی وی پرتاب کردند، ما که تلاش میکنیم حزبی را که مد نظر خودمان، کارگران و کمونیستها است را بسازیم، این بار نه از طرف ناسیونالیستها بلکه از طرف "کمونیستهای کارگری" نفرین و ترور شخصیت میشویم. سؤال این است دوستان عزیز چرا ما را ترور شخصیت و تحقیر میکنید؟ ما همان رفقای قدیمی شما هستیم که قبلا به احترامان کلاه را بر میداشتید و به وجودمان بارها افتخار کردید. باور کنید ما همان رفقای سابقان هستیم فقط راهمان را از شما جدا کردیم. ما که ضد انقلاب نشده ایم نقد خود را به این احزاب کردیم و گفتیم میرویم و سیاست و پراکتیک دیگری را پیش میبریم به همین سادگی است. حداقل انتظار از این رفقا این بود که برامان ارزی موفقیت میکردند.

منصفانه به بحثهایی که حول این اقدام ما شکل گرفته است توجه کنید و قضاوت کنید که چه عاشرای حسینی راه انداخته شده است.

در این مصاحبه اشاره کرده ام که ما قرار است از احزابی که بنام کمونیسم کارگری فعالیت میکنند بلحاظ پراکتیکی متفاوت باشیم و در سطح کلی در بیانیه مان انرا توضیح داده ایم. اگر قرار است جامعه ما را قضاوت کند لازم است پراتیک روزانه ما را زیر زره بین خود قرار دهد. این حزب، حزب قدیسین، قانداها و لیدرهای خود ساخته نیست. حزب سیاسی و مسئول و منکی به تصمیمات جمعی است. حزب تک تک کسانی است که سرنوشت خود و جامعه را به ان گره زده اند و در پراتیک و سیاست گذاری در ان نقش جدی دارند. این حزب لیدرها و رهبران مادام العمر نیست. کادرها و اعضای ان مسئول و جوابگو به جامعه هستند. این توضیحات را دادم که کسانی و از جمله خود شما که به ما نقد دارند "چرا طرح خودتان را نوشتید و رو به جامعه ارائه ندادیم" علتش این است که قرار نیست فردی از ما سیاست و برنامه ایی را بیاورد و بقیه هم بدون فکر کردن "متعهد و مرید" ان فرد شوند. متاسفانه روشی که در احزاب کمونیست کارگری مرسوم است. در ضمن نشریه و فراخوان و بیان تفاوتهای ما و غیره اگر سیاست و طرح متفاوت و روشن نیست چیست؟ احزاب دیگر چه طرح روشنتر و بهتری دارند؟ میتوانید آدرس بدهید؟ علاوه بر آن ما در آستانه برگزاری کنفرانس مان هستیم طرح و نقشه همان آنجا تصویب و بعضا اعلام می شود. در نتیجه لطفا تا ان زمان به ما وقت بدهید و سیاست و برنامه عمل خود را بعنوان تصمیم جمعی حزب به جامعه ارائه خواهیم داد. در این شکی نیست که ما از هر نوع نقد صمیمانه و با پیشنهادی استقبال خواهیم کرد.

در این مصاحبه من تلاش کردم در سه سطح تفاوت خود را با احزاب دیگر را نشان دهم، که متاسفانه شما فقط یک جمله از نقد من را برجسته کرده اید. با توجه به صمیمیت شما فرض بر این است که توضیحات من کافی نبوده که شما نوشته اید "از پراتیک و عمل انقلابی" متوجه شدم که دوباره با گروههای مسلح از طریق کوههای کردستان به شهرهای ایران میخواید سرازیر شوید برای «سرنوشتی»! نوستالژی

و بازگشته به سالهای ۶۰ - ۷۰ برایم تداعی شد" و نتیجه گرفته اید که تلاش ما بازگشت به سنتهای پیشمرگاییه تی است و به ما توصیه کرده اید و ادرس داده اید که برویم دوباره پیشمرگ بشویم. سنتی که من به ان اشاره کرده ام مربوط به سنت انقلابی و دلسوزانه رهبری کردن حزب است و آگاهانه انرا در شیوه کار رهبری حزب آورده ام. اصل پاراگراف مصاحبه من این است و در نهایت قضاوت را میدهم به خواننده. " برای تبدیل این حزب به حزبی که بطور شیبانه روز قابل دسترس باشد لازم است که در داخل بیشترین تلاش را بکنند. لازم است سنتهای جسورانه مبارزاتی دهه های ۶۰ و ۷۰ را بار دیگر زنده کند. این حزب لازم است که در رابطه با زندگی روزانه طبقه کارگر و مبارزه اش در کنار آنها و حامی و پشتیبان آنها باشد. سنتهایی که سالهاست در میان رهبری این احزاب نقش و جایگاهی ندارد و سیاست و سیاست مداری به بخشی از تفنن و سرگرمی در حد رفتن به رستورانی و یا مسافرت کنار دریا تبدیل شده است."

رفیق عزیز این پاراگراف چه ربطی دارد به سنت پیشمرگاییه تی. تلاش من این بوده که نشان دهم رهبری این احزاب بعنوان کارگزار و سیاستمدار، سیاست کردن برایشان تفنون و بخشی از تنوعات و تفریحات روزانه شان شده است. و در همین پاراگراف ادامه داده ام که به همین دلیل کارگر و انسانهایی که در داخل در حال مبارزه روزانه با نظام سرمایه داری هستند اعتماد خود را به این احزاب از دست داده اند. در نتیجه بحث من مربوط است به سنت عملی و انقلابی رهبری است نه سنت تشکل یابی طبقه کارگر و یا جنگ مسلحانه.

در رابطه با نیروی مسلح و مبارزه مسلحانه من نظر خودم را در این رابطه و در جواب به این سوال داده ام. منتها برای اینکه در رابطه با اسلحه و مبارزه مسلحانه خیال شما و یا نگرانی شما و کسان دیگری که مرتب این مسئله را تکرار میکنند را برطرف کنم بر روی این مسئله تاکید کنم که اسلحه و مبارزه مسلحانه در سیاست ما و این حزب نقش تعیین کننده ای را دارد. میدانم الان برای تعدادی و متاسفانه بخشی از کمونیستها تحت عنوان اوانتاریسم و انارشیزم، بد و بیراه به ما شروع میشود و کارگر و کمونیستها را از ان محروم و به بره ایی تبدیل میکنند که هر جوجه فاشیستی بتواند انرا بخورد. حزبی که

حزب کارگران و کمونیستها باشد و اسلحه در سیاست ان نباشد را نباید جدی گرفت. کسانی که حزب کمونیستی را از دست بردن به اسلحه محروم میکنند، یا ساده لوح هستند و یا شاید و فریب کار. رفیق گرامی اگر شما با جنگ مسلحانه مشکلی ندارید، این را از کجا آوردید که ما قرار است مرزها را نامن کنیم(هر چند اگر لازم باشد حتما مرز را هم نامن میکنیم)؟ میخوایم از کوه ها سرازیر شویم؟ این ها را از کدام سیاست ما در آورده اید. ما اعتقاد داریم به همان میزان که متشکل شدن کارگر در سازمانها و ارگانهای حزب و صنفی خود مهم است و لازم است صبورانه برای ان تلاش کند به همان میزان در شرایطی که توازن قوا اجازه دهد لازم است که بدون تاخیر و توهمی به اسلحه دست ببرد. رفیق عزیز من در جواب به این سوال گفته ام که " این حزب قرار است که در محل کار و زندگی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه شکل بگیرد به طبع آن این حزب سازماندهی طبقه کارگر در ارگانهای سازمانهای صنفی و سیاسی خود و پیشبرد مبارزه طبقه کارگر علیه نظام و سیستم سرمایه داری را در اولویت قرار میدهد" آیا منظور از این نامن کردن مرزهاست؟ از کوه سرازیر شدن است؟ لطفا نقدتان را در این رابطه بنویسید و بر اساس تصورات و پچ پچ کردن انسانهای نامسئول لطفا قضاوت نکنید. در همین رابطه ادامه داده ام که طبقه کارگر برای بزیر کشیدن نظام سفاک و ظالم سرمایه داری، هیچ راهی ندارد به غیر از اینکه دست به اسلحه ببرد و باید این کار را بکند و این حزب مصمم و متعهد به مسلح کردن خود و طبقه کارگر است. در مورد کردستان نوشته ام که این قضیه متفاوت است و لازم است که سیاست دیگری را در پیش بگیرد " این حزب اگر بخواید به نیروی جدی و مورد اعتماد کارگر و زحمتکش در جامعه تبدیل شود از همین امروز لازم است که اسلحه در سیاستش نقش تعیین کننده داشته باشد و در صورت نیاز همین امروز دست به اسلحه ببرد و ملزومات آن را فراهم کند" و در این رابطه اگر امکانش را داشته باشد همین امروز " مرزها را نامن کند و یا از کوه ها سرازیر شود" و امیدوارم بتوانیم در مسلح کردن جوانان و انسانهای آزادیخواه این حزب در کردستان بیشترین تلاش خود را بکنند. در حاشیه مسائل دیگری را مطرح کرده اید که تلاش کردم به نکات مهم ان جواب دهم و بقیه انرا هم حاشیه

دانستم .

امیدوارم به نکات اصلی که مطرح شده است جواب داده باشم . پیشنهاد رفیقانه من به شما و رفقای دیگر که خواهان تغییر بنیادی و رادیکال در جامعه و به نفع کارگروهستند در تقویت و به سرانجام رساندن این پروژه همراه ما باشند. در غیر این صورت نگران نباشید و به شما اطمینان میدهم که تمام تلاش مان را میکنیم که با اتکا به کارگر و انسانهای به تنگ آمده از دست سیستم ظالمانه سرمایه داری و برای برقراری سوسیالیسم تمام توان خود را بکار ببریم.

**به تلاش برای
ایجاد حزب طبقه
کارگر، حزب
رزمیننده
سوسیالیستی و
انقلابی، حزب
سرنگونی
جمهوری اسلامی
به پیوندید.**

**سیاست و برنامه
حزب کمونیستی
جدید کدام است؟**

کامران پایدار

در طی این چندین روزها ، و به دنبال اعلام تصمیم و نظر کمونیستی تعدادی از رفقا مبنی بر تلاش جدی و صادقانه و کمونیستی برای برپایی یک حزب کمونیستی و کارگری جدی و واقعی، حزبی که بتواند در معادلات واقعی جنبش کارگری و جامعه داری حضوری پررنگ و از توان و نقش

آفرینی موثر برخوردار باشد، حزبی مصمم و اهل عمل و اقدام جدی برای سازماندهی و برپایی انقلاب کارگری و... در گوشه و کنار و بطور پید و پنهان از جانب جریانات و برخی افراد بد سابقه مدعی کمونیسم کارگری تلاش و تقلابهای مذبحانه و نافرجامی برای جو سازی در مسیر مخالفت و کارشکنی در روند ایجاد و برپایی یک حزب کمونیستی جدید آغاز شده است. گاه صدهای مشکوک و مستاصلی شنیده میشود در گوشه و کنار میگویند اینها که آمده اند با این ادعاهای بزرگ و قصد تشکیل حزب را دارند و... دچار خودخواهی و غرور و ماجراجویی و و راست روی هستند، گاهی ما را متهم می کنند که کارنوال تنفر و کینه و تسویه حسابهای شخصی بر علیه برخی شخصیتهای بازنده سیاسی راه انداخته ایم. گاهی متهم می شویم که برای برپایی ساختمان حزبی، در تعیین برنامه امان، در شناخت و تعیین سیاستهایمان در قبال جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی، در چگونگی تعیین ابزار و سیاستها در مبارزه برای سرنگونی حاکمیت 38 ساله فساد و جهل و جنایت سرمایه داران و حکومت اسلامیشان برنامه و سیاستهایی شفاف و روشن نداریم.

انگیزه و ترجیح و علاقه و باور شخصی من در وهله اول و قبل از هر چیز پرداختن جدی و مصمم به چگونگی امر و مقدرات سازمانیابی و تامین هژمونی رهبری و پیشروی جنبش کارگری در درجه نخست است و سپس دیگر جنبشهای اجتماعی است، ما خواهان

حضور جدی و اکتیو در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی هستیم. ما می گوئیم اگر کار و تلاشی هست این بخودی خود فاقد ارزش است مگر مسئول به نتیجه و جوابگویی باشیم. ما با تمام وجود به آنچه میگوئیم مصمم و باورمندیم. ما می خواهیم حزب سازمانده انقلاب کارگری باشیم، ما می خواهیم حزب جدی تصرف قدرت سیاسی باشیم، ما می خواهیم حزب مجامع عمومی و شوراهای واقعی کارگری باشیم. می خواهیم بی تعارف و بی چون و چرا سیاستهای کمونیستی و انسانیمان را، یک دنیای بهترمان را، که متأسفانه امروز بعلت بی کفایتی و سترونی احزاب موجود بعنوان سیاست و مطالبه محسوب می شوند در اولین روزهای پیروزی به قانون تبدیل و اجرایش نمایم. برخلاف سازهای ناکوک و مخالف و کارشکنی که شنیده میشود. سیاست و برنامه، اصول حزبی و اساسنامه ای ما دقیقاً شفاف و روشن و مستدل است. نقطه عزیمت و تکیه گاه و محور اصلی همه سیاستها، برنامه و اصول سازمانی ما همان سیاستها و اصول ارابه شده مارکس و منصور حکمت است. بر خلاف تلاش و ادعاهای دروغین و خودفریبی برخی شخصیت های خود خوانده مغرور و خود خواه، جنبش کمونیسم کارگری پس از از دست دادن بنیانگزار و رهبر اندیشمند و متفکرو دلسوز و مسئولش منصور حکمت تا کنون نه رهبر، نه اندیشه پرداز و نه لیدری که حرف و سیاست جدیدی ارابه داده باشد به خود ندیده است. این همه ادعاهای توخالی و پوچ برخی جریانات که مانند فرقه های مذهبی و سکتی رهبر و لیدرهای مادام العمر دارند دروغ و فریبی بیش

نیست. بر خلاف ادعاهای پوچ و واهی دیگران ما اکیدا خویش رانه لیدر و نه اندیشه پرداز و کاشفان جدید نمی دانیم. ما کمونیستهای واقع بین و مصمم و پراتیکالی هستیم که عمده تفاوت ما عزم جزم ما برای تغییر جسورانه این اوضاع گسیخته و نابسامان جنبش کمونیسم کارگریست. ما بشدت از فریفتن خود و دیگران بیزاریم. کانون انباشته از تنفر و تسویه حسابهای شخصی هم نیستیم، همه این چرندیات به ما اهداف ماوصله ای نجسب و نا مربوط است. بر خلاف جو سازیهای مسمومی که علیه ما راه افتاده است. حرف و سیاست ما خیلی روشن و سر راست است. ما می گوئیم باید و صد البته ضروری و مهم است که کمونیسم رزمنده و بی تخفیف مارکس و منصور حکمت را از زیر آوار احزاب مدعی کمونیسم کارگری بیرون بکشیم. ما خواهان رجعت صد درصدی و بی چون و چرا به کمونیسم و مارکس و منصور حکمت هستیم. البته در این رهگذر احزاب موجود که در نهایت انجماد و بی تحرکی و فساد سیاسی و تشکیلاتی، و بحرانها و بن بستهای سیاسی و تشکیلاتی و به انواع سیاستهای پاسیو اپورتونیستی و راست پوپولیستی غوطه ورنند مانع ما و سد راه هر گونه حرکت نو و جدیدی هستند. در این عرصه و در جهت گشودن مسیر و پیشروی جنبش کارگری و کمونیستی ما به ناچار مجبور به نقد سیاسی این جریانات فرقه ای و در حاشیه و در خود منزوی از جامعه هستیم. در مقابل مقاومت منفی و تقابل این گرایشات برای بقا هم امری بدیهی و روشن است. ما می گوئیم فمنیسم غیر انقلابی و حتی ارتجاعی است، این گرایش هست بی ربط به

کمونیسم و کارگر در مقابل طرف تا خرخره در گرایشات انحرافی اعتراض عریان خفه شده است و اگر حافظه ای داشته باشند تا همین چندی پیشها مشغله اشان انتشار تقویم برهنگان و چرندیاتی از این دست بود. ما می گوئیم تلاطمات سال 88 عمدتاً بخشی از اختلافات و منازعات باندهای جنایتکار سبز و سیاه حکومتی بود بخشی از این جناحها و مردم متوهم در کف خیابانهای تهران فریاد میزدند یا حسین میر حسین، یا مهدی شیخ مهدی و... در مقابل طرف (ح ک ک) رفته با بیشر می و گستاخی در کنار این جانوران مخوف و بانیان کشتار بیش از صد هزار اعدام و جنایت ایستاده و می گوید انقلاب شده، ما می گوئیم خواست فوری و تخفیف ناپذیرمان انقلاب کارگری و امرمان سوسیالیسم فوری است فلان لیدر کذایی با زیر پا نهادن همه اصول ابتدایی می گوید انقلاب انسانی و این میشود همه باهم و این میشود ندیدن تضاد های آنتاگونیستی و آشتی ناپذیر طبقاتی و این میشود نقض اصول اولیه مارکسیسم و کمونیسم منصور حکمت. این میشود پاشیدن لجن به امر مبارزات کارگری، ما می گوئیم با هر علل و انگیزه ای شرکت در نمایشات و سیرک مسخره رفراندوم حکومت قاتل، فاسد و جنایت پیشه اسلامی مردود و محکوم است. ما میگوئیم همه باندهای جانی حکومت اوباش اسلامی بدترینند، بد و بدتری در کار نیست و... در مقابل طرف وقتی شرکت بخش اندکی از مردم متوهم و ناآگاه را که یا با تطمیع کاسبکارانه و یا

تهدید در این نمایشات مسخره می بیند از سر استیصال و اپورتونیسمش، بخاطر اجتماعی شدن! و جانباختن از قافله، با جریان باد همچون خسی بر آب همراه میشود و می گوید این رای رای سلبی!! مردم است، و کاشف بعمل می آورند این یعنی نه و سرنگونی حکومت، ما می گوئیم آزادیهای یواشکی خواستگاه و پلتفرم گرایشات پرو غرب و دشمنان جنبش چپ و کمونیستی است، رادیکال نیست، سکولار نیست، ماکسیمال نیست، ما می گوئیم آزادیهای یواشکی گرایش مضر و خطرناکی است برای انحراف و کاستن از تیزی مبارزات جنبش های اجتماعی در مقابل این اینها با پرویی و گستاخی به زیر علم و کتل این گرایش ارتجاعی خزیده و کاسه داغ تر از آس هم شده اند، ما می گوئیم در جهنی که روزانه دهها تن بمب های ناپالم و موشکهای کروز میلیتاریسم و سرمایه داری بر سر جامعه ای فرو میریزد این فاجعه است، این سناریو سیاه است، این شیرازه جامعه را می پاشد و هزاران هزار انسان بیدفاع را به خاک و خون میکشد و میلیونها انسان را آواره و نابود... در مقابل طرف باعدم احساس مسئولیت انسانی، با لاقیدی و شانه بالا انداختن می گوید در این شرایط آتش و دود و قتل و جنایت و آوارگی فرصت باز میشود و باز در اطلاعیه های بوچ و بی محتوا و بی ارزش و میرزا بنویسشان می گویند اگر ناوگان دریایی میلیتاریسم هار و جانی امریکا در یک روز بیش از 60 موشک دوربرد با بیش از صد تن مواد منفجره سوریه را در هم کوبیده است و معلوم نیست چه

تعداد انسانهای بیگناه و بی دفاع لت و پار شده اند می گویند اگر قرار بر زدن و سقوط حکومت اسد است فرصت و غنیمت است! اگر به فلان شخص ورشکسته و بازنده سیاسی و باند همراهش بگویی و بپرسی چطور شد و با کدام استدلال منطقی در فاصله 6 ماه در حالیکه خود را به نابینایی و ناشنوایی زده و چون کبک به زیر برف خزیده اید شش بار تجدید فراش نموده اید، از حزب اتحاد به حزب حکمتیست و سرانجام به حزب کونیست کارگری در سفر صفا و مروه و کوچ و هجرت و قهر و آشتی بوده اید و این همه قی قاج و زیگ زاگ و این همه چرخشهای 180 درجه ای از کجا منشا و ناشی میشود؟ اگر بپرسیم چه پاسخی برای جنبش و جامعه دارید؟ می گویند طرف کانون نفرت شده، آنتی کمونیسم شده، دچار راستگرایی و انحراف گردیده و هزار و یک کوفت و زهرمار دیگر بهش تزریق می کنند تا حقایق مخدوش شود و نام این گونه رفتارهای زشت و حقیر را می گذارند مبارزه کمونیستی!، مرتضی پاشایی آوازه خوان و مجیز گوی حکومت جنایتکار اسلامی فوت شده همین شخصی که در مدحش حدادیان مداح شش لول بند خامنه ای در وصفش گفت از ماست! همین حضرات ح ک ک با بخشی از اقشار متوهم ولایه های خرده بورژوازی مرفه و میانی جامعه به همراه وزارت سانسور و خفقان ارشاد اسلامی با شمع و گلاب و شمعدان به کمپینش سر سپردند، البته جالب است در همین روز که حضرات مشغله پاشایی را داشتند بیش از 800 نفر از کارگران ساختمانی بخاطر بیمه هایشان و چند صد نفر دیگر از کارگران پتروشیمی ایلام با خواست

مطالبه چندین ماه دستمزدهای معوق در مقابل مجلس حکومت اوباش اسلامی تجمع اعتراضی داشتند. من فکر می کنم اقتضای سیاسی این جریانات عمدتاً ناشی از یک یا چند مورد اشتباه و خطای سیاسی نیست. من به همه این شرایط می گویم بی ربطی زمخت به جماعت کارگر و کمونیست. من به همه این انحرافات و این فاجعه و منجلا ب سیاسی می گویم، پوپولیسم، اپورتونیسم، راستگرایی در سیاست و خیانت به منفعت و جایگاه جنبش کارگری و کمونیستی رادیکال و میلیتانت. من منشا همه این انحرافات را ریشه در گرایشات و متعلق به اقشار و طبقات دیگر می بینم. هرچه هست کارگری و از جنس کمونیسم رزمنده و رادیکال نیست. همه این جریانات و گرایشات را می گویم، بر خلاف میل و خواست آنها، در دنیای واقعی، چه بخواهند یا نخواهند، امروز دیگر پروژه تدارک و برپایی یک حزب کمونیستی و کارگری رادیکال و میلیتانت توسط شخص یا اشخاصی کلید خورده است. این پروژه اختراع و ابداع کسی نیست، این پروژه فرزند خلف ضرورتهای زندگی و مبارزه طبقاتی است، این یعنی پیمودن و پیوستن به راه تکامل و پیشروی! خطاب من به مشتی رهبران مادام العمر و خود خوانده در این جریانات نیست. پیام صمیمانه و نگاه رفیقانه من بسوی بخش گسترده ای از کادرهای بدنه و انسانهای شرافتمند و مسئولی است که همین الان در حالیکه با انواع تناقضات و تعارضات و سرخوردگیهای سیاسی که حتی خودشان هم بدرستی نمی دانند چرا و چگونه با ابهام و تزلزل و سرگردانی و بلاتکلیف و معطل در صفوف این گرایشات غیر کارگری نشسته اند. من به

همه این رفقا و انسانهای شریف می گویم از انتخاب و تجربه نمودن مسیر نو و بالنده مبارزات کارگری و کمونیستی نهراسید، به ما ببینید، دست در دست هم بگذاریم و آینده را در شان و حرمت جنبش کارگری و کمونیستی رقم زنیم.

زنده باد انقلاب کارگری برای خواندن مجدد مطلب کامران پایدار "نکاتی در ملزومات برپایی یک حزب کمونیستی و کارگری جدید" لطفاً به لینک زیر مراجعه نمائید

http://www.azadi-b.com/G/2017/04/post_658.html



سلام زیجی

پاسخ به چند سوال مرتبط به پروسه تشکیل حزب سیاسی جدید

در این مدت، در کنار بحث و دیالوگ بسیار ارزنده ای با جمع کثیری از علاقمندان به ایجاد حزب سیاسی جدید سوسیالیستی در ایران، درباره چند موضوع مهمی نیز رفقای عزیز سوالاتی داشتند که با ما طرح یا برای ما فرستاده اند. در اینجا توجه آن عزیزان و همچنین کلیه خوانندگان نشریه "سوسیالیسم امروز" به آن بخش از سوالات که جنبه عمومی تری دارند جلب می کنم:

موانعهای اصلی سر راه شما در شرایط حاضر چیست؟

شکی نیست که به عنوان یک جریان کمونیستی خلاف جریان، یک نیروی انقلابی و رزمنده و شفاف در شرایط بسیار پیچیده و در عین حال غیر انقلابی، موانع سر راهمان زیاد هستند. البته که باید تلاش کرد این موانع را

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

جنبشهای مترقی زنان، جوانان، معلمین و غیره به این تلاش مسئولانه و اتحاد سیاستها انقلابی که بر اساس آن پراکتیک فعال و یک حزب انقلابی و رزمنده سروسامان بگیرد در راس برنامه و اهداف ما قرار دارد!

در نتیجه از نظر سیاسی - عملی وظیفه شما و همه ما فعالیت خستگی ناپذیر در این راستا است. دخالت جدی و فعال در فعالیتهای و سیاستهای جاری در جامعه و سرنوشت حزب، ارسال فعالانه گزارشات مستند و مقالات زنده از روند تحولات و مبارزات جاری برای نشریه و سایت حزب، تمرکز روی فعالیتهای رژیم به هدف شناخت دقیقتر و مقابله موثرتر علیه آن، در فکر تهیه امکانات مالی برای حزب بودن، تهیه و تامین شبکه انتشارات و ارتباطات اجتماعی، و همانطوری که تاکید کردیم بردن این پروژه به درون جنبش کارگری، زنان و جوانان جزو اقدامات و وظایف سیاسی و عملی هر ریفیقی است که می خواهد این پروژه بسیار مهم جنبش برای رسیدن به آزادی و برابری و سرنگونی رژیم را به سر انجام برساند.

اما از نظر سیاست سازماندهی و اینکه "چگونه فعالیت متشکل کنید و با ما در ارتباط باشید"، تا اتخاذ سیاست سازماندهی جدیدتری از طرف حزب، لازم است خودمان را طبق مهمترین جوانب سیاست سازماندهی-امنیتی که به پیش برده ایم از جمله نکات زیرهمراه نمائیم و به این اصول اولیه سازمانی و امنیتی پایبند و متعهد باشیم:

۱- از نظر من سیاست ما، حداقل تا تصمیمات احتمالی بعد، همچنان متکی به سیاست

است که امر خود را برقراری جامعه سوسیالیستی با سرنگونی فوری نظام وحشی و فاسد جمهوری اسلامی میدانند. ما چنین تصمیمی را گرفته ایم. همه را به صفوف خود و این مبارزه دعوت می کنیم!

با حزب جدیدی که فراخوان داده اید خیلی موافق هستیم. حرف دل ما را هم می زنید. در این رابطه چگونه فعالیت کنیم؟ و تداوم رابطه ما با شما چگونه تامین می شود؟

فراخوانهای سیاسی منتشر شده و مضمون آنها مبنای اولیه سیاسی فعالیت مشترک ما است. به علاوه سمینارهای که داشته ایم، مباحث اخیر "تفاوتهای ما"، در نشریه شماره دوم "سوسیالیسم امروز"، و همچنین بیشتر مقالاتی که در دو شماره نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر شده اند، دیدگاه سیاسی و ضرورت و هدف یک حزب جدید سیاسی و انقلابی و اهل عمل، که خواهان شروع مبارزه جدی علیه نظام جمهوری اسلامی است، بطور روشن در اختیار همگان قرار داده شده است. روشن است که رژیم و بورژوازی و جریانات و جنبشهای راست و نامسئول و حساب پس داده، هر کدام به شکلی علیه این تلاش انقلابی ما صف کشیده اند، و علیه آن دروغ و هذیان پخش می کنند.

از اینرو فعالیت جدی در جهت تحقق این اهداف، پس زدن صف ارتجاع، و شکل دادن به چنین حزبی مهمترین هدف ما و هر انسان مبارزی است که آرزوی نابودی فوری نظام جانی اسلامی و دست یافتن به یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و خوشبخت را دنبال می کند. تلاش برای تحقق این مهم وظیفه محوری تک تک ماها می باشد. گرد آوری نیروی رزمنده و اهل فعالیت انقلابی، جلب توجه فعالین کارگری و

شکی نیست که بر آن پیروز خواهیم شد چون افکار عمومی و جنبش طبقاتی و مبارزاتی ما در جامعه نیز با آن سنت و سیاستها بیگانه است.

مانع دوم و محوری تر که برای ما طبیعی تر و قابل درک تر بود و هست دشمن اولیه ما و کارگران و جامعه یعنی خود جمهوری اسلامی است. در این مدت رژیم با تمام قدرت در صدد ایجاد اخلال، سازماندهی مستقیم تبلیغات کثیف علیه ما در دنیای مجازی با انواع شگرد، بعضا با نام های مستعار و بدون چهره، و در مواردی حتی شاهد بوده ام در صدد نفوذ کردن به تشکیلات ما در داخل کشور و پیوستن به پروژه تشکیل حزب بر آمده است. که البته کار تازه این رژیم نیست و ما نیز همه این تلاشها را شناسایی و خنثی کرده ایم!

هدف محوری رژیم ممانعت کردن از شکل گیری ایجاد یک حزب بزرگ انقلابی، سوسیالیستی و کمونیستی که سرنگونی انقلابی کلیت این رژیم جنایتکار و فاشیست در دستور کار آن و جزو اولویت این حزب میباشد، است. ما در ابتدای شروع مبارزه مان هستیم. جنگ و کشمکش و مبارزه عمیق و گسترده سر راه داریم. برای این جنگ خود را می سازیم تا به استقبال آگاهانه این نبرد برویم. تلاش ما و نیرویی عظیم مبارزین و معترضین در ایران راهی جز شروع نبرد آخر با این نظام جنایتکار در ایران نداریم. در این نبرد هم باید پیروزی را از آن خود کنیم!

در هر صورت ما تردیدی نداریم که کلیه موانع فوق را خنثی و پشت سر خواهیم گذاشت. رمز این موفقیت نیز در گرو اراده و تصمیم انقلابی یک نسل جدید، فداکار، و مبارزین راه آزادی و برابری

از سر راه برداشت! اما مانع فوری بی پولی، نداشتن میدیا، آوار خرابکاریها و بی اعتمادیهای که جریانات دیگر در طول سالهای متمادی برای جنبش ما ایجاد کرده اند، وجود سنتهای غیر پیشبرنده که چپ در ایران به آن عادت کرده است از جمله موانع های امروز سر راه ما هستند. هر چند باید تاکید کنم که ما در داخل کشور با آن معضلات و سنتهای چپ و فعالیت و زندگی که اپوزیسیون در خارج کشور به آن عادت کرده است خوشبختانه کمتر روبرو هستیم، آنجا مسائل و سوالات و پراکتیک جدی دیگری مطرح و در اولویت قرار دارند.

علاوه با آن موارد مشخص، و در همین راستا با موانع اصلی تر دیگری نیز روبرو هستیم: یکی "اپوزیسیون است" و دیگری پوزیسیون! هر کدام به شکلی. اولی راه، که عمدتا و متاسفانه با نام "کمونیسم کارگری" و "منفردین" حواشی آنها در خارج کشور که خود بعد از سی سال فعالیت بجای نرسید اند، بر علیه ما که میخواهیم راه دیگری را دنبال کنیم به ترور شخصیت و به لیچار گوئی و شانناز روی آورده اند. برآستی قابل درک نیست که چرا برای این طیف و یا چپ مشابه که خود را "سرنگونی طلب" و "کمونیست" هم می دانند شروع فعالیت و تولد و ایجاد یک حزب سیاسی دیگر را باید با خشم و کمپین غیرسیاسی و تحقیر و فحش به فعالینش برخورد کنند؟ نفس این عکس العمل هیستریک مهر تائیدی است به حقانیت نقدهای کوبنده سیاسی که ما علیه این چپ فرقه و یوولیست و غیر کمونیست بی نقش داشتیم! ما از این مانع عبور خواهیم کرد،

پیش بسوی تشکیل کنفرانس موسس حزب!

سازماندهی منفصل است. هر تک فردی بطور فردی و منفصل راسا با ارگان و یا رفقای دست اندکار و مسئول حزبی در این عرصه در تماس خواهد بود و فعالیت خود را به پیش می برد.

۲- در صورت وجود محفل یا شبکه های محافل یا جمعهای دیگری که بطور طبیعی با هم کار می کنند و باهم رابطه اجتماعی دارند می توانند در شکل جمعی، بعداز همفکری با رفقای دست اندرکار و رهبری حزب، در قالب حوزه، یا کمیته، یا هر شکلی که خود مناسب می دانند آرایش به خود بگیرند و تقسیم کار نمایند. ترجیحا مسئول رابط یا هماهنگی برای خود تعیین و از این طریق با ما در تماس باشند،

۳- استفاده از شبکه های علنی و مجازی را برای ارتباط با حزب را اشتباه می دانیم. از اسم و تلفن و آدرس مشخص در شبکه اینترنت که عموما از آن استفاده می گردد نباید با همان روش و اسم و رسم برای کار ارتباط گیری با ما استفاده شود!

۴- ابزارها و روشهای تماس و ارتباطات با ما یکسان نیست. هر موردی را بطور ویژه و جداگانه باید از جانب طرفین بررسی و تصمیم گرفت که چه شکلی برای تداوم کار مناسبتر است.

۵- جهت یاد آوری دوستان عزیز تازه کار تاکید می کنیم که ارتباط سازمانی خود را با ما نباید در هیچ جای و تحت هیچ شرایطی و پیش هیچ جریان و جمع و فردی طرح نمایند! هیچ اسنادی در محل زیست و یا گوشی و کامپیوتر خود نگاه ندارید. نباید اجازه داد افراد احزاب دیگر برایتان مشکل درست

کنند و ارتباط بگیرند. آنها را از دسترسی به ادرس و تلفن ها پتان مسدود کنید تا به خطر نه افتید. در عین حال اکیدا توجه داشته باشید که هر شکلی از کنجکاری و دخالت از رابطه سازمانی افراد ثالث با حزب به عنوان عبور از خط قرمز امنیتی حزب تلقی شده و فوراً برخورد قاطع خواهد شد.

۶- در صورت شرکت جمعی، یا فردی در فعالیتهای شبکه های انترنتی ولو با نام مستعار، به عوارض و مخاطرات امنیتی و احتمالی آن جدا فکر شود.

۷- ضمن تاکید بر رعایت کلیه آن موارد در عین حال تاکید میکنیم که رمز ارتقای جدی ضریب امنیتی کلیه فعالیتهای حزب و اعضا و کادرهای آن در کل کشور در گرو درگیر شدن جدی و دقیق در فعالیتهای سیاسی، کارگری و مبارزاتی در محل کار و زیست می دانیم. در گرو تامین گسترش نفوذ سیاسی-عملی- اجتماعی هر عضو و فعال حزب در محیط پیرامونی خود، و روی آوری هر چه بیشتر کارگران و مردم مبارز به حزب و حول فعالیت هر فعال حزبی میباشد.

۸- تامین محبوبیت اجتماعی و کسب اعتماد رفیقانه و اجتماعی در سطح وسیع و همزمان آگاه بر واقعیت مخاطرات امنیتی که ارتجاع اسلامی بر جامعه تحمیل کرده اند و آشنائی به آخرین طرحها و ابزارهای امنیتی-اطلاعاتی به منظور مقابله و خنثی کردن آنها، مهمترین عنصرهای سیاسی- اجتماعی-امنیتی هستند که همه رفقای کارگر، فعالین زن، و جوان این حزب ضروری است بر آن واقف باشند. در ضمن توجه داشته باشید بعداز برگزاری کنفرانس و تشکیل حزب از طرقهای مناسبی حول سیاست

سازماندهی ما و چگونگی تامین پیشبرد آن با دقت بیشتری با رفقا بحث و تبادل نظر خواهد شد. از دریافت نظر و پیشنهاد کلیه رفقا حول این عرصه بسیار مهم حزب صمیمانه استقبال می شود.

با جمع وسیعی در... در ارتباط هستیم؟ آیا امکانات مالی برای پیشبرد کارهایمان در اختیار ما می توانید بگذارید؟

رفیق عزیز...! با کمال تاسف باید به اطلاع برسانم که ما هیچ امکان مالی در حال حاضر در دست نداریم تا شما را در این راه یاری کنیم. ضمنا باید به این نکته تاکید کنیم، یکی از اولویتهای و سیاست های ما "خود کفائی" هر فرد و هر واحد و ارگان تشکیلاتی است که برای سازمان دادن به فعالیتهای روتین و روزمره سیاسی تشکیلات خود بتواند این کمک مالی را از دوستان خود و در محل کار و زیست خود و از طریق جمع آوری حق عضویت، اسپانسر جمع کردن و کمکهای متفرقه تامین کند. ما در حال حاضر از طرف هیچ سازمان و یا کشوری مورد حمایت مادی نیستیم و فکر میکنم که در آینده هم با توجه به اینکه حزب انقلابی و حزب کارگران و کمونیستها میباشیم شک دارم که از حمایت آنها برخوردار باشیم. در نتیجه ما هیچ راهی نداریم به غیر از اینکه متکی بخود و کارگران و انسانهای ازادخواه باشیم.

ما خواهان جاری کردن این سیاست و سنت انقلابی هستیم که کلیه اعضا و فعالین حزب در داخل یا خارج کشور بطور مستمر به حزبشان حق عضویت بدهند. ما حزب فقرا، بیکارها، کارگران و انقلابیون کم درآمد هستیم که میخواهیم ثروتی که ما برای جامعه بدست آورده ایم و با زور از آن

محرومان کرده اند، باز پس بگیریم و به ثروت و رفاه همگانی تبدیلش کنیم! این طبقه و طیف راهی ندارد جز اینکه با اندک اندک (بقول لنین از خرد است که کلان بوجود می آید) پولی که دارد بتواند جمعا تبدیلش کنند به حداقل "ثروتی" به هدف درست کردن ابزار مبارزه شان تا بتوانند حق خود را از حلقوم جانیان سرمایه و جمهوری اسلامی بیرون بکشیم. در عین حال هر گاه در جایی امکان دریافت کمک مالی مناسبی پیدا گردد بدون قید و شرط قبول می کنیم و پنهان هم نخواهیم کرد! در هر صورت بنیاد سیاست مالی ما و تامین هزینه های کل فعالیت حزب بر جمع آوری حق عضویت اعضا، اسپانسر مالی گرفتند و فعالیتهای اجتماعی و انتقاعی حزب استوار خواهد بود. دادن حق عضویت از نظر سیاسی نیز خیلی لازم و گویای تعلق سیاسی فرد به یک جریان و یک حزب معین است.

رفیق عزیز! از من گرفته تا شما، ضمن درک واقعیت تلخ نداری ۹۹ درصد رفقای که با این حزب همراه شده اند تا این لحظه، باز هم ضروری است با تلاش فردی و جمعی، با جمع آوری کمک مالی از میان دوستان و کارگران و مبارزین و با سازماندهی ابتکارات دیگر اجتماعی در محل و غیره برای حزب و پروژه های معینی که در دستور کار داریم پول جمع کنیم و حداقلی از هزینه های فعالیتهای خود را تامین نماییم. دقیقا مانند ده ها میلیون کارگر و خانواده کارگری که نشان هم از طرف این رژیم جنایتکار به

گرو گرفته شده است اما باز با همان سرمایه زیر خط فقرشان هزینه و ماتریال اکسیون و تظاهرات و تبلیغات و مجمع عمومی و تشکل و غیره را تامین و به مبارزه و اعتراض خود ادامه می دهند.

از نظر مالی نیز، درست مانند سیاستها، آرمانها، سنتها و افق متفاوتی که برای خود تعریف کرده ایم، باید با بقیه متفاوت تر باشیم، اعضا و فعالین این حرکت لازم است به سنت دیگری در این زمینه عادت بنمایند، یک سنت رادیکال، انقلابی و متعلق به خصلت سوسیالیستی درون جنبشمان. به انقلابیگری و تلاش و ابتکارات و زحمات جمعی و فردی همه رفقا متکی خواهیم شد. با وجود همه اینها، حزب سیاسی هستیم و از همه امکانات ممکن استفاده می کنیم و طبعاً از هر اقدام و راه حل و پیشنهاد عملی که بتواند از نظر مالی گشایشی برای حزب و بدینترق کمی برای فعالیت شما رفقای عزیز باشد استقبال میکنیم!

آنها که با شما تماس می گیرند از کجا می دانید که عامل رژیم نیستند؟

ما تجارب زیادی داریم و خیلی زود به این موارد پی خواهیم برد. با این وجود از آنجا که سیاست ما متکی بر سیاست سازماندهی منفصل است (همانطوری که در پاسخ به پرسش قبلتر اشاره شد) این راه نفوذ عوامل مزدور را سد خواهد کرد، حداقل در سرایت به بقیه تشکیلات و میزان ضربه پذیری آن. دوما هر مرتبطی باید وظایفی را انجام دهد و گزارش انرا هم بدهند. در این حالت اگر یک عامل رژیم بیاید برود آن کار ها را انجام دهد، خوب برود

انجام دهد، برود بنویسد مرگ بر رژیم و زنده باد سوسیالیسم در مراکز شهر و محل کار، برود نشریه مان را پخش کند، برود شعار نویسی کند و از خوب بودن یک حزب کمونیستی و انقلابی بگوید و غیره. تا اینجای کار از نظر امنیتی این تلاش رژیم راه بجای نخواهد برد. و اما همزمان در مواردی که ما گزارشی از شکاکیت بدستمان برسد یا خود چنین ارزیابی داشته باشیم از راهای اجتماعی دیگری تحقیقات دقیقی در باره اش انجام خواهیم داد. در هیچ حالتی فرد نفوذی نمیتواند وارد سیستم حزبی ما، از جمله واحدهای متشکل و ارگانهای ما در داخل یا خارج گردد. چنانچه رفقای ما در داخل کشور و رفقای دست اندرکار این عرصه حداقل اصول و ضوابطی که در سوال قبلی بر شمردیم رعایت کنند سد محکمی در مقابل تلاش مذبحانه رژیم خواهیم بست.

در ضمن ما درگیر مبارزه بسیار جدی با رژیمی هستیم که با چنگ و دندان و اسلحه از خود دفاع می کند و ماشین سرکوبش را ادامه می دهد. در چنین نبردی، هر نیروی جدی نیز آمادگی هزینه های احتمالی را خواهد داشت. ما لازم است خود را برای ان آماده کنیم و این پیش شرط مبارزه فعالین ماست.

فعلا در این رابطه ما هیچ مشکلی نداریم و تسلط کامل داریم روی رابطه ها و کارهایمان. ما در صدد تدوین یک سند روشن امنیتی نیز هستیم که تلاش میشود همه این راها و مخاطرات را در نظر بگیرد و راه مسدود کردنشان را نشان دهد و کادرهای مجربی برای این عرصه آماده میکنیم.

آیا شما حاضر هستید با احزاب دیگر همکاری کنید؟

منظور کدام احزاب است؟ باید موردی موضوع را بررسی کرد. البته رهبری منتخب کنفرانس موسس حزب تصمیم می گیرد، اما از نظر من این درست است که سیاست کلی ما در رابطه با رژیم و هم اپوزیسیون بر این اصول استوار باشد: با کلیت نظام فاسد سرمایه داری جمهوری اسلامی دشمنی آشتی ناپذیر داریم. هیچ شکلی از "مذاکره" و "سازش" و بحث با آن و هیچ شاخه ی از درون و بیرون رژیم در دستور نیست! زدن و کوبیدن و از بین بردن کل سیستم و رهبران و مسئولین و عوامل فاسدشان را با هر ابزار مناسب و انقلابی که ممکن و برحق ترین کار میدانیم. ما حزب و جنبش جدی سرنگونی این نظام هستیم!

در باره اپوزیسیون نیز این درست است که ارکان سیاست ما بر این اصول استوار باشد: "مردم باید انتخاب کنند!"، در این چهار چوب با اپوزیسیون انقلابی و طرفداران سرنگونی انقلابی کامل رژیم دیالوک خواهیم داشت. نقد خواهیم کرد. اما مواردی هم برای کار مشترک ممکن است باشد. از جمله علیه رژیم، علیه خطر سناریو سیاه، علیه قومی گری و نیروهای اسلامی و تروریست، و مواردی که در راستای اهداف سوسیالیستی ما قرار دارند. اما در این باره نیز یابقیه اصول متفاوت تری داریم که چنین هست: به هیچ وجه "آتش بس سیاسی" با هیچ نیروی نخواهیم کرد حتی اگر بهترین همکاریها را هم داشته باشیم. ضروری می دانیم در اوج همکاری کردن نقد جدی و مداوم خود را علیه سیاستهای اشتباه آمیز، گمراه کننده، ضد کارگری و ضد سوسیالیستی هر نیروئی بدون توقف ادامه دهیم.

هر جریانی که ظرفیت چنین سیاست و موقعیتی نداشته باشد از نظر ما در ردیف نیروی های که در سطح "همکاری مشترک" باشند قرار نمی گیرند. اما اکنون اولویتهای دیگری داریم اما هر مورد هم پیش آمد روی آن مورد مشخص تصمیم می گیریم.

اخیرا موجی از حمله علیه شما در دنیای مجازی و فیس بوک به بهانه مقاله یکی از رفقای شما و همچنین نقد سیاسی خود شما به دیدگاه حمید تقوایی در رابطه با نمایش انتخابات ایران راه افتاده است. پاسخ شما به آنها چیست؟

همچنانکه شما هم گفتید این واقعا یک "بهانه" است. و بیشتر "حمله ها" نیز برآستی جز لپنیزم عربان سیاسی هیچ جایگاه دیگری ندارند. کاش با نقد سیاسی و سالم روبرو می بودیم! کاش منتقدین ما جدی و سیاسی و رفتار کمونیستی به مخالف خود می داشتند، متأسفانه این طیف چنین نیستند!

باید دید مشکل واقعی آنها چیست. واقعیت این است که آنها به شدت موقعیت خود را در خطر می بینند. چشم بینائی عروج یک حرکت انقلابی برای ایجاد یک حزب کمونیستی و انقلابی را ندارند. عکس العمل بیشترشان مسئولانه و سیاسی نیست. هیستریک و شبیه مذهبی و فرقه بازی است. این دقیقاً یعنی همان سنتی است که ما به درست نقدش کرده ایم. آن سایتی که به آن رفیق ما گفته چون "توهین کردی به احزاب" فراخوانت را منتشر نمی کنیم، سایتش پر است از "توهین و برخورد تند" مقالات دیگران به گروه خونشان **صفحه 10**

یکی است و از نظر سیاسی به خود نزدیکتر میبیند رفتارش متفاوت است. یا هیاهوی گمراه کننده و بی معنی که راه انداخته اند که گویا به "حزب کمونیزم کارگری" توهین شده، (دریخ از یک ذره حقیقت و بیان یک جمله نقل قول "اهانت آمیز") پس باید رفیق مقاله نویس ما حکم مرتد شدن برایش صادر شود. و به همین "بهانه" نیز اسم کل حرکت ما از جانب همین فعالین سلحشور کانون مرکز صادرات افترا و نفرت پراکنی و ترور سیاسی مخالفین سیاسی خود، که امروز ژست "مودب" شدن گرفته اند، یکجا گذاشته شده است "حزب نفرت"! و همه ما شیطان شدیم. چرا؟ چون قائد آنها و سیاستهایشان و سنتهای ویرانگرشان مورد نقد سیاسی قرار گرفته است. مشکل آنها اینجا است. "کلمه" ها بهانه اند!

همچنین دسته ای از افراد "منفرد" نیز که خودش هم اتفاقاً قربانی دست همین سیستم و فرهنگ حاکم بر چپ هست، و احزابی که از آنها به شیوه زیر زمینی در نقش آتش زیر خاکستر بازی می کنند، بدون اینکه خود شهامت به حرف آمدن را داشته باشند، همه و همه دال بر حقایقی است که ما در سمینارها و در نوشته هایمان گفته ایم که این سیستم و خط سیاسی ناظر بر این چپ واقعا یک سیستم و مناسبات کاملاً مریضی است. واقعا شبیه مذهبی است، واقعا دروغ می گویند وقتی از آزادی بیان و تامل با مخالف و منتقد حرف می زنند! تنها راه این است که باید از آنها عبور کرد تا هم خودت و هم مبارزه ات سالم بماند و به

مبارزه واقعی تر علیه ارتجاع روی بیاورید! آنها اصلاً "اصلاح پذیر" نیستند!

این سنت هم مانند سنت و شگرد طبقات حاکمه بورژوازی روی فراموشی حافظه مردم سرمایه گذاری میکنند. بخش اعظم تاریخ انشعابات، تمام کمپین ها و جلسات و اتهامات و ترور شخصیت کردنیهایشان، از جمله در جلسات درونی خودشان نیز علیه مخالفینشان انجام داده اند، کلیه مقالاتی که رهبران این نیروها علیه مخالفین صفوف خود در دوره جدائی ها نوشته اند، از جمله همین کامنتها و نوشته های اخیر فیس بوکی "هوداران" شان سر تاپا توهین آمیز و مملو از تحقیر، حق کشی، دروغ گوئی و ترور سیاسی آشکار منتقدین سیاسی خودشان از جمله ما است. حالا کسی از درون این سنت سیاسی شناخته شده پیدا شود و برود یک کلمه در جای از بحث ما یا از متن مقاله یک رفیق کمونیست رزمنده بیرون بکشند و حول آن ادعائی "مظلومیت"، "پاکیزگی" و "تمدن" بودن خود و استنتاج کودکانه و غیر واقعی و خود فریبانه "حزب نفرت" را برای امثال ما استنتاج کنند، برآستی خنده دار و مسخره است. این ژست حداقل با اعمال تاکتونی پرورش شدگان آن سنت همخوانی ندارد!

این فرهنگ و سنت سیاسی معلوم است که با ما مشکل سیاسی جدی دارد، همچنانکه ما از پایه سنت و سیاست آنها را بی ربط به کمونیزم و کارگر می دانیم. اما به دلیل ناتوانیشان در پاسخ سیاسی دادن به ما، به دلیل اینکه اتفاقاً عقده تراکنی شان نیز ناشی از این است که ما حقایق درونی و دو روئی مناسباتشان و اهداف سیاسی راست روانه شان را زیر نور افکن گرفتیم، بجای طرح

سیاسی مخالفتشان با ما طبق روال معمول زندگی سیاسی شان در این یکی دو دهه راه معمولی بی درد سر افترا و ترور سیاسی و شخصیتی مخالفین سیاسی را برای خود ساده تر و "قهرمانانه" ترمی پندارند.

سوال این است که آیا برآستی حاضر هستند که پرونده سیاه تاریخ گذشته و حال حزب مطبوع خود را (عمداً کلمه "سیاه" را بکار میبرم تا بروند ثابت کنند که آن پروندهها سیاه یا حتی ارتجاعی نبود و نیست)، مثلاً حداقل همان "جدل آنلاین" مشهور، و بعداً کشمکش شان با محفل کپی شده خودشان به اسم "اتحاد"، و بعداً مقالات شیرینشان علیه ماها و امثال حسین مرادیبگی (حمه سور) و دیگر منتقدین و او را دوباره باز تکثیر کنند و در کنار مقاله یا نقد سیاسی اخیر ما در باره مواضع راست حمید تقوایی حول نمایش انتخابات در ایران، و همچنین کامتنها ی لمپن مابانه، غیر سیاسی و عقب مانده و ناسیونالیستی شان در صفحه فیس بوکی من و علیه خود ما را همزمان منتشر و در اختیار همگان بگذارند تا معلوم شود چه جریانی حزب نفرت و فرهنگ شنیع تولید کرده و می کند؟

این دوستان اتفاقاً با همین سنت و فرهنگ و سیاستهای راست، ناسیونالیستی و پوپولیستی و شبیه مذهبی یک زمانی رفتند رهبری و سیاست و حزب جدیدی در قالب جعلی "حزب کمونیست کارگری" بعداز منصور حکمت را بنا نهادند. و کل تاریخ و سر نوشت و اعتبار روند کمونیستی کمونیزم کارگری را به مسیر دیگری کشاندن و امروز نیز در ابعاد فاجعه آمیزتری این داستان همچنان ادامه دارد. که این اتفاقات امر مبارزه همه ما را

نیز به عنوان کمونیست و کارگر در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و علیه سرمایه داری و برای دستیابی به سوسیالیسم و حکومت کارگری پیش از پیش مشکلتر کرده است.

اگر کسی از آن جریان نمی خواهد به حقیقت تف کند می رود همه ی آن مواردی که اشاره کردیم را از نوتجدید چاپ و منتشر می نماید! در این صورت بنظرم بهتر روشن خواهد گردید، حداقل برای نسل جدید، که ما محفل و فرقه و حزب نفرت و جریان شبیه مذهبی هستیم یا جریان راست حاکم بر امثال حککا. یا سنت و خط سیاسی بورژوازی و پوپولیستی که بعداز مرگ نادر کمر کمونیزم کارگری و حکمت را شکاند. ما و جنبش ما همچنان چوب این تعرض خطرناک و چپ ۵۷ ی علیه خود و علیه خط مارکسیستی ناظر به حککا در دوره بعداز حکمت را داریم می خوریم. منتقدین کنونی ما در واقع متعلق به این بخش از سیستم مریض چپ هستند که کل تاریخش مملو از انشعاب تحمیل کردن، اقدام غیر اصولی و غیر اخلاقی مالی علیه رفقای خود و مخالفینشان، ترور مخالفین سیاسی درون و بیرون گروهشان، ترور شخصیتی دیگران.

شخصاً به این معتقد هستم بدون نقد و کنار زدن سیاست و خط و افق حاکم بر حککا، که بنظرم بخشی از همین سیاست و افق در دیگر جریانات به اسم "کمونیزم کارگری" نیز نمایندگی و اجرا می شود، بسیار دشوار است که کمونیزم کارگری و کمونیزم مارکس بتواند کمر راست کند و راه

سویک ماه در بهترین حالت اگر چیزی نزدیک یک میلیون و پانصد هزار تومان بشود. حالا اگر کارفرما همه حقوق کارگر را پرداخت کند که این در ذاتش نیست، و اگر کارگر چیزی نخورد و خرج نکند، بطور متوسط در طول یکسال که 6 ماه آن هم بیکار است میشود ماهی 700 تا 800 هزار تومان! و این در شرایطی است که کارگر دیگر بر اثر فشار کار نه شب و نه روز و نه جمعه و نه تعطیلات و نه استراحت و کاهش ساعت و فشار کار را می شناسد. با این روش رذیلانه کارگر را در جهت نابودی جسم و روانش با تمام توان به کار گرفته اند! کارگری که نه سابقه کارش معلوم است، نه بازنشستگی، نه بیمه بیکاری و تامین اجتماعی خود و خانواده اش. فقط یک مسئله پی گیری و بررسی می شود: چند تا خشت می زنی؟! هرچه بیشتر با دستمزد ارزانتر بهتر و کارگر به ناچار به این بردگی تن داده و سعی فردایش این است شاید دو خشت بیشتر بزند تا رکورد امروز را بشکند تا لقمه نانی برای خانواده اش به چنگ آورد. و این به بهای نابودی و تباهی همه هستیش!

کار کودکان در کوره پزخانه امری عادی و بدیهی است. کودکانی که حتی به سن 15 سالگی نرسیده اند. کودکان خردسال با بدنهای نحیف از فشار کار و سو تغذیه، کودکانی که جای واقعی آنها بایستی در مدرسه و مراکز آموزش و تحصیل باشد. کودکانی که در گودالهای کوره قبل از آنکه شکوفا شوند بر اثر فقر و محرومیت و فشار کار و بیماری پژمرده میشوند. این هنر نظام کثیف و ضد انسانی سرمایه داریست! اصلا کار کودکان و زنان در این مراکز

صفحه بعد

که غذا آماده و طبخ شود. در این گورهای بزرگ که هر روزه جوانی و نشاط و سلامتی و امید و آرزوهای انسانها را به کام خود می کشد، در بسیاری موارد زنان باردار هم به کار مشغولند! تو گویی نظام ظالمانه و غیرانسانی سرمایه، از هم اکنون می خواهد قضاوت و بیرحمی و جنون بی حد و حصرش را با چنگال خونین و آغشته به جنایتش را به جنینی که در شکم مادر است نشان دهد! در بسیاری موارد کودکانی که چشمانشان دنیا را ندیده بر اثر فشار کار مادران در میان تلی از خاک و دود سقط شده و برای همیشه بی صدا و آرام چشم از جهان فرو می بندند! و برای همیشه غمی تلخ را در وجود مادران و پدرانشان بیادگار می گذارند. در این ویرانسرا پیر زنان و پیر مردانی را می بینی که بین 25 تا 30 سال در لابلای آجرها و خشتها و خاک رس جوانی و سلامتی و توان و همه چیزشان بر باد رفته اما بر طبق قانون و مصوبات اداره کار و حکومت اسلامی سرمایه داران هنوز سن باز نشستگیشان فرا نرسیده است؟! دست مزد کارگران در این گورهای بزرگ انسانی به دو صورت پرداخت می شود: در زمستان بر اساس روز مزد و در تابستان بصورت کار مزد و یا کنتراتی. کار کوره پزخانه ها بعلت عدم بارندگی و شرایط مناسب کاری و جوی عمدتا در 6 ماه اول سال انجام می شود و تحت این شرایط سرمایه بیشترین اشتهها را برای کسب سود بیشتر از کار ارزان کارگران دارد. در کار کنتراتی در و بطور نهایی با 15 تا 16 ساعت کار اگر یک کارگر خشتمال خود کشی هم بکند، شاید چیزی نزدیک 2000 خشت بزند و دستمزد این حجم کار سنگین و توانفرسا در طی

خدایی می کند. اینجا گودال و گورهای بزرگی هست. تنها چیز بی ارزش و پست در این مکان انسان است؛ انسان و نیازهای ابتدایی اش برای زنده ماندن! در اینجا کسی به سن، جنسیت و سابقه کار کارگران توجهی ندارد. فقط تولید بیشتر و بیشتر هدف نهایی است! هم اکنون هزاران نفر کارگر، دریای عظیمی از کار ارزان و خاموش به آرامی در کوره پزخانه ها از صبح تا شام وحشیانه و بی هیچ حد و مرزی استثمار می شوند. خیل عظیم کارگران کوره پزخانه ها را عمدتا کارگران مهاجری تشکیل می دهند که بعلت بیکاری و نبود امکان کار و شغل مناسب در محل زندگیشان، به تنهایی و یا به همراه خانواده، زنان و کودکان خردسالشان دست به مهاجرت زده و در این مراکز به کار فصلی مشغول می شوند. کارگر کوره پزخانه هیچ امکان، هیچ شرایط مناسبی برای بقای خود و خانواده اش ندارد. در کوره پزخانه ها از کودکان خردسال تا زنان و دختران مجرد، تا زنان و مردان مسن 60 الی 70 ساله همگی به کار مشغولند. این کارگران مهاجر مکانی برای زندگی خود و خانواده هایشان ندارند. به ناچار در آلودگیها و زاغه هایی که کار فرماها برایشان سمبل کرده اند شب را به صبح می رسانند. در اینجا خبری از یخچال و برق، کولر و پنکه و وسایل خنک کننده، حمام و آب لوله کشی و بهداشت و دستشویی نیست. در اینجا خبری از غذا و خوراک مناسب و کافی برای کارگران و خانواده هایشان نیست. غذای اصلی کارگران بیشتر از نان و گوجه، سیب زمینی و هندوانه و امثالهم تشکیل می شود. چون در اینجا کارگر نه پولش را دارد، نه وقتش را و نه امکاناتی

کارگری و سوسیالیستی و مستقل خود را طی کند. جریان ما منتقد جدی این خط فکری است! بر عکس آن هیاهوی دروغین، ما خودمان قربانیان دست همین سیاست و سنتها هستیم که فرهنگ ترور شخصیتی، اتهام و افتراء، سرکوب و تحقیر سیاسی مخالفین درون و بیرون حزبی بخش لایتجزای آن سنت و حزب و جنبش می دانیم و تماما علیه آن هستیم.

حرکت ما ضمن اینکه به دام مشغله های مخرب و فرهنگ نازل این چپ نخواهد افتاد!، ضمن اینکه بر تداوم ضرورت نقد عمیق سیاسی و کمونیستی خود علیه آن تاکید میکنیم، اما همزمان بر وظیفه مبرمتر دیگر خود نیز غافل نمیگردیم که طبقه کارگر و صف دهها میلیونی سرکوب شده در ایران ما را به مبارزه و تلاش و قهرمانی و فداکاری و سرنگونی کامل این حاکمیت جنایتکار فرا می خواند!

رفقا به این افق و مسئولیت تاریخی بیش از پیش توجه داشته باشیم! ما با بیوندید تا متحد تر و مستحکم تر این مسیر را طی کنیم!

جهنمی در اعماق

خاک رس!

کوره پزخانه های

خاتون آباد تهران

کامران پایدار

اینجا جایی است که ارزش انسان و هویت و همه خواستههای ابتداییش به فراموشی سپرده شده است. اینجا فراموشخانه ای بزرگ است در اعماق خاک رس! اینجا کوره پزخانه است. جایی که حرص و آز سرمایه برای سود و انباشت بیشتر سرمایه

علیه بیکاری متشکل شویم!

جهنمی در اعماق خاک رس!
کوره پزخانه های خاتون آباد تهران

گزارش اول ماه مه!

آنها به راه پیمایی ادامه داده تا اینکه بار دیگر ۵ نفر از ماموران به محمود حمله کرده و با زور خواستند سوار ماشینش کنند که با مقاومت و اعتراض زنان و مردان حاضر تلاش ماموران برای بازداشت محمود بی نتیجه ماند. زنان و مردان مبارز ضمن آزادی محمود صالحی به راهپیمایی خود به طرف میدان هه لو ادامه دادند. بعد از تجمع در میدان هه لو بدون توجه به تهدیدات ماموران به مدت نیم ساعت با موفقیت مراسم اول ماه مه برگزار کردند و به خانه هایشان باز گشتند.

پارک جهان نما

روز جمعه ۸ اردیبهشت مراسم اول ماه می روز جهانی کارگر در پارک جهان نما با حضور کانون نویسندگان و کمیته پیگیری و جمع زیادی از فعالان کارگری از ساعت ۹ شروع شد و با خواندن سرود و قطعنامه های تشکل های مختلف تا ساعت ۱۱ ادامه پیدا کرد. در ادامه به پیشنهاد دوستان مراسم تمام شد و با تصمیم اکثریت جمع پیشنهاد شد که به تیم کوفوردی بچه های ایران خودرو و کارگران دیگه که در حسن آباد کرج بود بپیونیم بعد از ملحق شدن به دوستان مراسم با خواندن سرود مراسم ادامه پیدا کرد و بعد از صرف نهار مراسم به پایان رسید.

.....

دل به هوا میباشند. و اکنون پای صحبت چند تن از زنان کارگر کوره پزخانه های خاتون آباد تهران:

عایشه (50 ساله، متاهل، بیسواد، اهل سقز): او که به هفتاد ساله ها میماند و کودکی اش را با کوره آغاز کرده است می گوید: کوره ها اسباب بازی من شده بودند. حتی زمانی که حامله بودم کار میکردم. همه ما همراه مردها از ساعت سه صبح تا هفت غروب کار میکنیم (شانزده ساعت). هر روز این کار پر زحمت آغاز میشود. علاوه بر این پخت و پز، نظافت، بچه داری و... هم کار ما زنان است.

ملیحه (19 ساله، مجرد، بیسواد، اهل پیرانشهر): در حالی که روسری و کلاه بر سر دارد و مشغول قالب گیری است، میگوید: همراه برادرش آمده، هیچ يك از خواهرانش مدرسه نرفته اند، از اوایل اردیبهشت تا اوایل مهر که در تهران هستیم مشغول کار کوره ایم و بعد به شهرستان برمیگردیم. خیلی دوست داشتم به مدرسه بروم، برادرهایم به مدرسه رفته اند، ولی در مورد ما به شدت مخالفت شده؛ حالا دیگر نه توانش را دارم و نه حوصله اش را.

نسرین (26 ساله، متاهل، دارای دو فرزند، اهل سردشت): او که به پنجاه ساله میماند، هجده سال است که در کوره کار می کند (ده سال قبل از ازدواج و هشت سال بعد از زندگی مشترک). او هم الفبایی نیاموخته، از بیسوادی بدش می آید. او می گوید به والدینم اعتراض کردم اما گفتند سرنوشت زنان این جا مثل هم است. تو هم مثل بقیه زنان! دوباره اعتراض کردم، آن گاه مرا دیوانه خواندند. بعد دیگر هیچ نگفتم. فکر کردم شاید من عجیبم. پس چرا بقیه ساکتند؟!.....

با درود های فراوان. امروز برابر با ۱۱ اردیبهشت روز جهانی همبستگی طبقه کارگر در تهران مقابل مجلس و ورودی مترو بهارستان رژه با شکوهی از طرف جمعی کثیری از کارگران و فعالین جنبش کارگری انجام گرفت. این مراسم حدود ۱ ساعت به طول انجامید و در آخر با پخش شیرینی و شکلات در میان کارگران و زحمتکشان خاتمه یافت. نیرو انتظامی در ابتدا تلاش کرد که مانع برگزاری مراسم و متفرق کردن شرکت کنندگان در این مراسم شد، که با مقاومت، اتحاد و همبستگی کارگران روبرو شدند و این حرکت نیروی انتظامی را خنثی کردند.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ تهران

برگزاری مراسم اول ماه مه در سقز:

امروز اول مامه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت ماه روز جهانی کارگر، صدها نفر از زنان و مردان کارگر و آزادیخواه از ساعت هفت بعد از ظهر برای بزرگداشت روز جهانی کارگر بصورت راه پیمایی از میدان آزادی شهر به طرف میدان عقاب (هه لو) حرکت کردند. بعد از گذشت چند دقیقه ده نفر از نیروهای انتظامی و لباس شخصی به صفوف راه پیمایان و شخص محمود صالحی حمله کرده و ضمن تذکر به محمود صالحی از او خواستند که به راه پیمایی و برگزاری مراسم پایان دهد. در غیر اینصورت باز داشت خواهد شد. محمود صالحی بدون توجه به اخطار



گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

روز جهانی کارگر روز اعلام نه به سرمایه داری،
روز اعلام میرمیت ایجاد احزاب و افق نوین کمونیستی

در روز جهانی کارگر، کمونیستها و کارگران به همراه مردم آزادیخواه و برابری طلب متحدانه به میدان میایند تا اعلام کنند پیش شرط دستیابی به آزادی، رفاه، برابری، سعادت و خوشبختی قن و پایان دادن به تروریسم، جنگهای ویرانگر و کشتار جنایتکارانه مردم و به بردگی مزدی تنها در گرو پایان دادن به نظام حاکم سرمایه داری و ارکان ایدئولوژیکی، فرهنگی، اخلاقی و حرفی آن است.
در روز جهانی کارگر با صدای رسا اعلام می کنیم برای تحقق این اهداف والای انسانی، کل طبقه کارگر و صف آزادیخواهان باید متحدانه به میدان بیایند و در حزب کمونیستی و کارگری خود متشکل شوند و پرچم کمونیستی مارکس را بیش از پیش بر افراشته تر نگاهدارند.
بر خورداری از امنیت، رفاه، آزادی و دستاوردهای علمی و تکنولوژیک حق مسلم و اولیه هر انسانی است. برای دستیابی به آن لازم است با سازماندهی انقلاب سوسیالیستی نظم بر مبنای حکم را بزیر کشید. لازمه دستیابی به اهداف فوق، تشکیل حزب سوسیالیستی کمونیستی و سازماندهی قهر انقلابی علیه دولت و طبقه حاکمه است.
همه کارگران و آزادیخواهان را به این تلاش میرم طبقاتی و در این راستا به پیوستن به نیروی متشکل چنین حزب سوسیالیستی و سوسیالیستی در ایران فرا میخوانیم.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر
مرکز بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری
هیتت هماهنگ کننده برگزاری کنفرانس مؤسس حزب سوسیالیستی ایران
۱۵ فروردین ۱۳۹۶

Iransocialist2017@gmail.com

00447740076631

تاس: 0046762349683

**نه به شرکت در
نمایش انتخابات
رژیم!
آری به برگزاری
اول مه قدرتمند و
ایجاد حزب رزمنده
کارگری!**

امید نسیمی

ما نباید در نمایش انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی شرکت کنیم. در عوض ضروری است که تنفر و قدرت کارگران و زحمتکشان را علیه این نظام به نمایش بگذاریم. روز اول مه، ۱۱ اردیبهشت روزی است که میتوان با قدرت طبقاتی خود فضای کنونی "انتخاباتی" و هیاهوی که هیچ ربطی به مردم از جمله به کارگران ندارد پیشا پیش مردود اعلام کرده و در مقابل اعتراض و اعتصاب و تظاهرات بزرگ کارگری و مردم آزادیخواه علیه این

این واقعیت نشات گرفته از ذات وجود سیستمی است که برای غارت و چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان به میدان آمده و جز این هم از این رژیم خونخوار و دد منش انتظاری نیست. این رژیم برای تاسیس هزاران حوزه علمیه و دارالقران و پرورش اخوندهای بی مصرف و مفتخور در داخل و خارج میلیاردها دلار خرجشان میکند اما با تحمیل حداقل دستمزد بردگی به کارگر و تحمیل گرسنگی و فقر و میلیونها حاشیه نشینی و بیکاری و معتاد و تن فروش و کودکان کار و خیابانی زندگی اکثریت مردم را به جهنم تبدیل کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی در بحران عمیقی به سر می برد روز به روز تنفر توده ها از این جانیان بیشتر و بیشتر میشود. شرکت مردم در پای صندوقهای رای کمتر و کمتر شده و اکنون نباید کاری کرد ما را با هیاهویی دروغین بکشند پای این نمایش و دوباره از طریق ما به خود "مشروعیت" بدهند.

صفحه 14

اتحاد کارگری علیه بیکاری!

نه به شرکت در نمایش انتخابات رژیم! آری به برگزاری اول مه قدرتمند و ایجاد ...

برکنیم. در این راستا بطبع رژیم تا دندان مسلح مسند قدرت را به این راحتی نمیخواهد از دست بدهد. با تمام قوا در مقابل انقلاب و مبارزه ازادخوانه ما ایستاده و خواهد ایستاد. در این چند دهه حتی در سرکوب اعتراضات از نیروهای مرتجع منطقه ای مثل حزب الله لبنان نیز استفاده کرده و خواهد کرد. خود نیروی مسلح و مزدور حکومت اسلامی قبل از هر چیز برای سرکوب اعتراضات و حراست از این نظام ضد مردمی تاسیس شده است. بنابراین حزب کمونیستی که ایجاد خواهد شد لازم است ارتش سرخ کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی در دستور کار خود قرار دهد و در وقت مناسب خود از آن به نفع کارگران و انقلاب کنندگان استفاده خواهد کرد.

بی هیچ توهم و شبهه ایی ما رژیم را با تمام جناحانشان نمیخواهیم و از مردم می خواهیم علیه همه شان بپا خیزند و از راه وجود اختلافات درونی رژیم هیچ هدف و مطالبه و امیدی متحقق نمی شود، برعکس ما خودمان قربانی شده و میشویم. ما دنبال اصلاح نظام نیستیم و اصلاح پذیر هم نیست. ما جز سرنگونی کامل و قهر آمیز این رژیم به هیچ چیز دیگری تن در نخواهیم داد. بیا بید بدون فرقه گرایی و قومی گرای و در نظر گرفتن زبان و نژادی یکتی واحدی باشیم برپیکر

کل نظام جنایتکار اسلامی. زنان و جوانان انقلابی در نمایش انتخاباتی رژیم شرکت نکنید، علیه آن بپا خیزید، به هیچ جناحی از آنها متوهم نشوید. بیا بید حزب انقلابی خودمان را به هدف پایان دادن به عمر ننگین این رژیم تشکیل داده و در ایجاد این حزب سیاسی و سوسیالیستی خود مشارکت کنید.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
پیش بسوی ایجاد حزب سیاسی رزمنده کمونیستی!
هشتم اردیبهشت ۹۶

جهان بسوی راست می رود!

پروین دنیا

در دو ساله اخیر در سطح مناسبات جهانی شاهد رخدادهایی هستیم که بر خلاف حرکت سرمایه داری جهانی که مبتنی بر مولفه های نظیر جهانی شدن و تجارت جهانی و غیره است اینبار این حرکت از جنس دیگری است و در آن می توان اتحاد طبقات مختلف همراه با منافع متضاد را ملاحظه کرد این راست روی نه به سمت امپریالیسم سرمایه داری که نمود آن با جهانی شدن اقتصاد و غیره است بلکه در این حرکت نوین از یک سو شاهد رشد ناسیونالیسم ملی در این کشورها هستیم که اساس آن مخالفت با رشد پناهجویان است زیرا معتقدند این رخداد می تواند کیان تاریخی، فرهنگی این کشورها را به مخاطره اندازد و از سوی دیگر طبقه کارگر هم علاوه بر مخالفت با جهانی شدن اقتصاد مسله پناهجویان را از جنبه شغلی برای خود زیان بار می داند، آن طوریکه این حرکت جدید را در عرصه مناسبات سرمایه داری در غرب دنبال می کند یعنی از دو سال پیش به این

سو که احزاب راست افراطی در پارلمان اروپا اکثریت را به دست آوردند و هم چنین نتیجه همه پرسی در بریتانیا که رای به خروج از اتحادیه اروپا را داد. این اتحاد بین ناسیونالیسم رادیکال و ملی با بخش مهمی از طبقه کارگر در آن به وضوح ملاحظه می گردد هر چند این اشتراک مساعی با اهداف و منافع مختلف و متضاد همراه بوده است، با این حال ملی گرایان بریتانیایی از مناسبات مهاجرتی اتحادیه اروپا در خشم بودند و این سیاست ها را زیان بار می دانستند.

طبقه کارگر از اینکه فرصت های شغلی در اختیار نیروی کار ارزان قیمت از کشور های اروپای شرقی قرار می گیرد ناراحت بودند و تداوم این شرایط را موجب بی کاری و فقر بیشتر برای خود می دانند پیروزی ترامپ از یک سو و روی کار آمدن دو باره دیکتاتور ترکیه و شاید پیروزی ماریا لوین در فرانسه همه ترمزی برای کشیدن جهان به سوی راست هستند. اتحاد ناسیونالیسم افراطی با طبقه کارگر در غرب پدیده بغرنجیست که به هر دلیلی که اتفاق افتاده باشد نشان دهنده ضعف و شکست جنبش چپ در جهان است طبقه کارگر در چنان حالت یاس و نا امید قرار گرفته است که این چنین به ناسیونالیسم افراطی سرمایه دار دل بسته که واقعا تاسف اور است اما در تحلیل کلی به نظر من اوضاع جدید به سمت بحران ها و تضاد های بیشتری در سطح جهان به پیش می رود که اصلا نا خوشایند نیست.

.....

گزارشات اول ماه می، تهیه و
تنظیم: عزیز اجیکند

بخشی از کارگران و زحمتکشان
کردستان مراسم روز جهانی
کارگر را برگزار کردند!



اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی، روز فشردن صفوف و برافراشتن پرچم برای پیکارهای پیش روی اردوی میلیارادی کارگران جهان است

طی نزدیک به چهار دهه مبارزه و مقاومت انقلابی در ایران و در کردستان، سنت های پیشرو ارزنده ای در این جامعه تثبیت شده است. یکی از این سنت ها، برگزاری مراسم روز جهانی کارگر است. این سنت در دشوارترین روزهای حاکمیت جمهوری اسلامی زیر برق سر نیزه دشمن پاس داشته شده است. در این راه جانبازی ها شده است، زندان و شکنجه و تبعید از سر گذرانده شده است، بیچار شدن و اخراج تحمل شده است، اما پرچم اول ماه در ایران و به خصوص در کردستان انقلابی بر زمین نیفتاده است. این پایداری و استقامت، رژیم را ناچار کرده است که تعطیلی این روز را برسمیت بشناسد. اگر چه برای جلوگیری از برگزاری مراسم مستقل کارگری، مراسم دولتی به راه امی اندازد، اما در کردستان به عنوان پیکار

مرگ بر سرمایه داری!

گزارشات اول ماه می، تهیه و تنظیم: عزیز اجیکند

بخشی از کارگران و زحمتکشان کردستان مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کردند!

جا افتاده اینگونه مراسم های دولتی از جانب توده کارگران بایکوت می شود و اهمیتی ندارد .

امسال نیز کارگران ایران و کردستان از یک ماه قبل از روز اول مه طبق سنت جاافتاده و تجارب تاکنونی، جنب و جوش وسیعی میان فعالین کارگری و بخشهای مختلف کارگران برای گرامیداشت روز جهانی کارگر را شروع کردند. ابتکارات و تدارکات مختلف در دستور کار قرار گرفت. جمهوری اسلامی و نهادهای ضدکارگری مثل همیشه با حساسیت فعالیت کارگران را زیر نظر گرفتند. در هیچ شهری با تقاضای مجوز رسمی برای اجرای مراسم توسط کارگران موافقت نکردند. به علاوه روز قبل از اول مه چند تن از فعالین کارگری سنندج و عضو اتحادیه آزاد کارگران را احضار کردند. دوباره و بیهوده از این طریق خواستند مانع برگزاری اول مه در شهر سنندج و سقز و سایر شهرهای کردستان شوند. اینها بی خبرند که سنت برگزار اول مه در شهر سنندج و سقز چنین ترفندهایی را خنثی میکنند. تهدیدات فعالین کارگری به شیوه های دیگر دوباره ادامه پیدا کرد. . تلاشهای سرکوبگرانه رژیم اگر چه دامنه وسیعتر برگزاری مراسم روز کارگر را محدودتر کرد، اما نهایتاً

ناکام ماند و کارگران مبارز در شهرهای مختلف کردستان روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. روز جمعه دهم اردیبهشت، یک روز قبل از اول مه، بخشی از کارگران و خانواده های کارگری و مدافعین کارگران در شهرهای مهاباد، بانه، سقز در بیرون شهر اول مه را گرامی داشتند .

به تاریخ روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ در پی تجمع تعدادی از کارگران در روز جهانی کارگر در سنندج، شش شهروند سنندجی دستگیر و روانه زندان شدند. یک فعال کارگری در سنندج در گفتگو با آژانس خبری موکریان ضمن تأیید این خبر اظهار داشت : به دنبال برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر در دوازدهم اردیبهشت ماه سال جاری در این شهر و دخالت نیروی انتظامی در این مراسم، چند تن از شهروندان حاضر در محل توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به بازداشتگاه منتقل شدند. کوروش بخشنده در ادامه گفت:

اسامی شش تن از شهروندان بازداشتی که تاکنون همچنان در زندان بسر می برند عبارتند از: حمید تاری مرادی، فرهاد زندی، زاهد بنفشی، فرزاد حسین پناهی، محمد لطفی و شیرکو کردی. وی در خاتمه ضمن تأکید بر این مطلب که افراد بازداشتی وابسته به هیچ گروه و سازمانی نیستند، خواستار آزادی بدون قید و شرط آنها شد.

برگزاری مراسم اول ماه مه در سقز امروز اول مامه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت ماه روز جهانی کارگر، صدها نفر از زنان و مردان کارگر و آزادیخواه از ساعت هفت بعد از ظهر برای بزرگداشت روز جهانی کارگر

بصورت راه پیمایی از میدان آزادی شهر به طرف میدان عقاب (هه لو) حرکت کردند. بعد از گذشت چند دقیقه ده نفر از نیروهای انتظامی و لباس شخصی به صفوف راه پیمایان و شخص محمود صالحی حمله کرده و ضمن تذکر به محمود صالحی از او خواستند که به راه پیمایی و برگذاری مراسم پایان دهد. در غیر اینصورت بازداشت خواهد شد. محمود صالحی بدون توجه به اختار آنها به راه پیمایی ادامه داده تا اینکه بار دیگر ده نفر از ماموران به محمود حمله کرده و با زور خواستند سوار ماشینش کنند که با مقاومت و اعتراض زنان و مردان حاضر تلاش ماموران برای بازداشت محمود صالحی بی نتیجه ماند. زنان و مردان ضمن آزادی محمود صالحی به راه پیمایی خود به طرف میدان هه لو ادامه دادند. بعد از تجمع در میدان هه لو بدون توجه به تهدیدات ماموران به مدت نیم ساعت با موفقیت مراسم اول ماه مه برگزار کردند و به خانه هایشان باز گشتند.

سنت برگزاری مراسمات اول ماه مه از جانب کارگران پیشرو و خانواده هایشان هر ساله و در بیشتر شهرهای کردستان، در کرمانشاه ، اشنویه، بوکان، مریوان بانه، کامیاران و دیواندره ربط و سردشت، به اشکال مختلف از راهپیمایی در خیابانی گرفته، تا گرد همایی در داخل شهر و گاهی تجمع در بیرون شهرها، حفظ شده است. فعالین کارگری در این مناسبت از دیوار خفقان و سرکوب رژیم عبور کرده و هر ساله با شور و حرارت به استقبال روز جهانی خود رفته اند.

این سنت ها و وجود فعالان و کارگران پیشرو، این امید را

تقویت می کند که هر سال نیز علیرغم هر مانعی، توده کارگران از برگزاری گرامیداشت این روز تاریخی غافل نخواهند شد و با هر آنچه که در توان داشته باشند مراسم روز جهانی خود را برپا خواهند کرد.

ما ضمن تبریک دوباره اول ماه مه به تمام کارگران و خانواده های کارگری در شهرهای مختلف کردستان، به همه فعالین و پیشروان کارگری و همه شرکت کنندگان در مراسمهای برگزار شده درود میفرستیم و به همه رهروان این راه خسته نباشید میگویم. شکی نیست که مناسبت اول مه امسال و اتحاد و همبستگی و هم گامهای مبارزاتی ایجاد شده از پیشرویهای مهم این دوره است. این دستاورد را باید مبنای پیشرویهای بیشتر در مبارزات پیش رو قرار داد.

زنده باد اول ماه

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری

زنده باد سوسیالیزم



نه به فقر و گرانی!

گزارشی از اول ماه مه در کشورهای مختلف

روز دوشنبه 11 اردیبهشت ماه مصادف با اول ماه مه، کشورهای مختلف جهان از آمریکا گرفته تا افغانستان صحنه تجمعات و تظاهرات باشکوه و وسیع کارگری در اعتراض به وضع موجود بود.

اول ماه مه در بسیاری از کشورهای جهان خصوصا در اروپا از سوی اتحادیه های کارگری، احزاب چپ و آنارشیست ها گرامی داشته شد. به مناسبت روز جهانی کارگر، دهها هزار نفر در اعتراض به سیاست های دونالد ترامپ و وضعیت نامناسب کارگران در آمریکا در شهرهای شیکاگو و لس آنجلس دست به تظاهرات بزنند. در همین حال معلمان شیکاگو نیز همصدا با کارگران در اعتراض به کاهش حقوق در مدارس عمومی در این اعتراضها شرکت کردند. در لس آنجلس نیز تظاهرات گسترده ای در حمایت از مهاجران، حقوق کارگران، زنان و اتحادیه های کارگری برگزار شد. این نخستین روز جهانی کارگر پس از آغاز دولت دونالد ترامپ است که با اعتراض های فراوان به سیاست های وی همراه شد. در فرانسه نیز راهپیمایی بزرگی در اعتراض به اصلاح قانون کار و حمایت از دستاوردهای مبارزاتی کارگران، از سوی کارگران و اتحادیه های کارگری در پاریس و شهرهای مختلف این کشور برگزار شد. در یونان نیز روز جهانی کارگر با تظاهرات و اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته علیه سیاست های ریاضتی همراه بود. دهها هزار نفر در آتن و شهرهای مختلف یونان تظاهرات وسیع علیه سیاست های ریاضتی دولت برگزار کردند. در افغانستان نیز صدها نفر از کارگران و جوانان بیکار در راهپیمایی به مناسبت روز جهانی کارگر در کابل علیه حکومت اعتراض کرده و خواستار ایجاد اشتغال شدند. در ترکیه نیز تظاهراتی به مناسبت این روز در شهرهای مختلف این کشور برگزار شد. گزارشات حاکی اس که پلیس و ماموران لباس شخصی با گاز اشک آور و گلوله های لاستیکی به کسانی که در روز جهانی کارگر در میدان تقسیم استانبول تجمع کرده بودند حمله ور شدند و بیش از دویست نفر را بازداشت کردند. در همین حال تظاهرات و تجمعات مشابهی با حضور دهها هزار نفر به مناسبت اول ماه در شهرهای مختلف سوئد، دانمارک، فنلاند، آلمان، نروژ، استرالیا، روسیه، فیلیپین، اندونزی، ژاپن، تایوان، اسپانیا، ایتالیا، لبنان و دیگر نقاط مختلف جهان برگزار شد.

موازین انتشار نشریه سوسیالیسم امروز:

سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
مقالاتی در این نشریه منتشر میشود که تنها برای این نشریه فرستاده شود.

مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ 4 با فونت 12 میباشد.

مقالات خود را لطفا برای این ادرس سردبیر بفرستید:

rahmatfatehi@yahoo.co.uk

به تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر، حزب رزمنده سوسیالیستی و انقلابی، حزب سرنگونی جمهوری اسلامی به پیوندید.

برای تماس با هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب با آدرس ایمیل و شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

Iransocialist2017@gmail.com

00447740076631

0046762349683

پیش به سوی

تشکیل حزب انقلابی سوسیالیستی



شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران

گوئنبرگ - سوئد

April 23, 2017

گزارش! شورا دفاع از جنبش کارگری در ایران -

گوئنبرگ - سوئد

جلسه سخنرانی و تبادل نظر در مورد جنبش کارگری در

ایران در تاریخ ۱۵ آوریل ۲۰۱۷ برگزار گردید.

در این جلسه رفقا، بهرام رحمانی، سلام زیجی و صمد

از شورا شرکت داشتند.

از تصویر این جلسه را در فیلمهای زیر بازدید نمایید.

<https://www.youtube.com/watch?v=-38wFoen6tI>

38wFoen6tI

<https://www.youtube.com/watch?v=-jolo-xrJZA>

-jolo-xrJZA

مرگ بر جمهوری اسلامی!